

چگونه به نیروی کار ارزشمند تبدیل شویم؟

صفحه ۸



نوبت فصل بی گازی

www.marzeghtesad.ir

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی

سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴

۹ ربیع الاول ۱۴۴۷ | ۲ سپتامبر ۲۰۲۵

شماره ۷۵۰

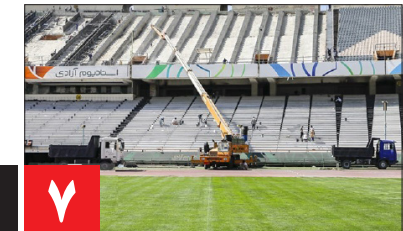
۸۰۰۰ تومان



تنفس مصنوعی به بورس



طلای سیاه گروگان ژئوپلیتیک



ورزشگاهی که باید ماه‌ها پیش آماده می‌شد



مسکن در

«۱+۲» سناریو

یک سناریوی می‌تواند «توافق» باشد.

سناریوی دوم، «پیچیده‌تر شدن تحریم‌ها»

است که در این صورت، روند کاهشی....

صفحه ۲

صدای کیشوندان

شنیده‌شد

جزیره کیش با ارائه گزارشی جامع از

اقدامات انجام‌شده در حوزه زیر ساخت‌ها،

سلامت، آموزش و سرمایه‌گذاری...

صفحه ۴

تجارت و

پارادوکس وابستگی

اقتصاد جهانی همواره بر بستری از تعاملات

متقابل شکل گرفته است؛ تعاملی که از

نخستین مبادلات...

صفحه ۶

نوبت فصل بی گازی

کریم حسن پور – کاهش تولید گاز از یک سو و افزایش مصرف از سوی دیگر سبب شده تا طی چند سال اخیر کشور با ناترازی گاز مواجه باشد. در این بین ابتدایی‌ترین اقدام دولت برای مقابله با ناترازی، قطع گاز صنایع است.

۷۶ میلیون تن بوده و در سال ۱۴۰۳ به ۷۲ میلیون تن رسیده است. در سه ماه اول امسال نیز افت ده درصدی کاهش تولید اتفاق افتاده است. در چنین شرایطی، این روند منفی تولید باید متوقف شود. البته حفظ سطح تولید و جبران کاهش تولید بستگی به وضعیت تامین سوخت دارد. وی گفت: ۶۶ میلیون تن سیمن در بازار داخلی به مصرف می‌رسد. حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون تن نیز سهم بازارهای صادراتی است. با وضعیت فعلی تولید هم بازار داخلی و هم صادراتی به خطر می‌افتد. درخواست ما از دولت این است که یک برنامه مشخص ارائه کند تا با اطلاع از میزان برق و گاز برای تولید برنامه‌ریزی کنیم، در حال حاضر امکان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی روند تولید را نداریم.

یک‌سوم پتروشیمی‌ها با کمبود گاز مواجه‌اند
یک فعال صنعت پتروشیمی نیز در مورد وضعیت تامین گاز صنایع می‌گوید: بسیاری از اقلام تولیدی صنعت پتروشیمی مشکلی بابت گاز ندارند. واحدهای پلیمری که بازار صادراتی خوبی دارند از گاز متان که با کمبود آن مواجه هستیم، استفاده نمی‌کنند. عمده فشار بابت گاز روی واحدهای متانول و اوره است. با این حال با شروع فصل سرد و افزایش مصرف گاز گزینه دیگری جز قطع گاز صنایع وجود ندارد. در چنین شرایطی حدود یک‌سوم پتروشیمی‌ها دچار مشکل می‌شوند. وی اضافه کرد: پتروشیمی‌ها در حال برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در مبادین گازی برای تامین گاز مورد نیاز خودشان هستند. قراردادهایی نیز برای جمع‌آوری گازهای فلر و افزایش تولید منعقد کرده‌اند. در کوتاه‌مدت هم می‌توان گاز وارد کرد. واردات روزانه ۱۵ میلیون مترمکعب گاز از ترکمنستان صرفا یک‌سوم نیاز گاز مورد نیاز صنعت پتروشیمی را تامین می‌کند. پتروشیمی‌ها یک طرحی دارند و می‌گویند اگر مردم صرفه‌جویی کنند، ما حاضر هستیم گاز را به چندبرابر قیمت از مردم بخریم. میزان مصرف گاز خنوار در زمستان ۷۰۰ میلیون مترمکعب است. ۷ درصد صرفه‌جویی شود، کل خوراک صنعت پتروشیمی که حدود ۴۵ میلیون مترمکعب است تامین می‌شود. وی گفت: میزان عدم‌النفع صنعت پتروشیمی بستگی به میزان قطع گاز دارد. به نظر می‌رسد وزارت نفت تدارک بهتری دیده است. احتمالا امسال با آمادگی بیشتری وارد زمستان شویم و وضعیت تامین گاز بهتر از سال گذشته باشد.

دولت تصمیم بگیرد
آژانس‌های قیمت حامل‌های انرژی و تغییر سیستم گرمایشی منازل، دو راهکار مدنظر فعالان بخش خصوصی برای عبور از ناترازی گاز و تامین گاز صنایع است. در همین رابطه عباس جبال‌بازری، نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» می‌گوید: قطعاً هیچ اقدامی برای تامین گاز مورد نیاز صنایع در ماه‌های آینده نشده است. میزان تولید هم تغییری نکرده است. مانند سال‌های گذشته ابتدا گاز نیروگاه‌ها سپس صنعت فولاد و سیمن و بعد سایر صنایع قطع می‌شود. در مورد برق تا حدودی عدالت وجود دارد و مصرف خانگی هم مشمول خاموشی می‌شود، اما برای گاز این طور نیست.

جبال‌بازری افزود: قطع گاز و برق هر دو تاثیر مخربی بر صنایع می‌گذارد. اگر برق قطع شود، کل فعالیت تولیدی متوقف می‌شود. در مورد گاز برخی صنایع آسیب بیشتر و برخی دیگر آسیب کمتری می‌بینند. ضمن این که اگر گاز نیروگاه‌ها قطع شود برق کمتر تولید می‌شود. بنابراین لزوماً اینطور نیست که اگر گاز صنایع قطع شد، برق قطع نشود. وی درخصوص راهکارهای مقابله با ناترازی گاز صنایع گفت: مصرف گاز خانگی در ایران بسیار بیشتر از حد معمول است. ۸۰ درصد خانوار ایرانی بخاری استفاده می‌کنند که مصرف گاز بالایی دارد. اگر دولت سیستم گرمایشی خانه‌ها را به صورت رایگان از پدیده قاچاق گازوئیل و بنزین اتفاق نبفتند و الگوی مصرف هم اصلاح شود. با این اقدام گاز می‌تواند همین میزان گاز صرفه‌جویی شده را به قیمت آزاد به صنایع بفروشد و هزینه‌ای که برای منازل صرف کرده است را جبران کند. این راهکار قابلیت اجرا دارد، اما دولت توجهی به آن ندارد. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران گفت: همچنین باید قیمت حامل‌های انرژی جهانی شود تا پدیده قاچاق گازوئیل و بنزین اتفاق نبفتند و الگوی مصرف هم اصلاح شود. با این اقدام گاز واحدهای تولیدی قطع نمی‌شود، اشتغال کاهش نمی‌یابد و اقتصاد نیز ضربه نمی‌خورد. دولت می‌تواند از دهک‌های پایین با ارائه مابه‌تفاوت قیمت حمایت کند. خانواده‌ها بهتر از دولت می‌توانند پارتانه خود را مدیریت کنند. جبال‌بازری اضافه کرد: امسال هم قطعی گاز داریم و نیروگاه‌ها ماژوت می‌سوزانند. برای جلوگیری از قطع گاز صنایع و آلودگی ناشی از ماژوت‌سازی باید دولت همین الان در مورد قیمت انرژی یک تصمیم جدی بگیرد.

بوده است. متعاقباً بخشی از همین عدد خسارت محسوب می‌شود، چرا که بحث هزینه‌های کارگری و جاری هم مطرح است و درآمدی کسب نمی‌شود. رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران گفت: محدودیت‌های مربوط به قطع گاز سال گذشته از ۱۵ مهر آغاز شد و تا ۱۵ اسفند ادامه پیدا کرد. میانگین قطع گاز صنایع هم ۶۵ روز بود. احتمالاً امسال صنایع ۶۰ تا ۷۰ روز دچار کمبود گاز شوند.

تشدید قطع گاز صنایع
صنایع سیمن، فولاد و پتروشیمی سه صنعتی‌اند که در اولویت قطع گاز قرار دارند. صنعت فولاد از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین صنایعی است که وابستگی شدیدی به گاز دارد. بخش عمده تولید فولاد در ایران وابسته به گاز است. مدیران شرکت‌های فولادی تاکید دارند که هنوز برنامه دقیقی برای تامین گاز صنعت در فصل سرد سال تدوین نشده است. به اعتقاد آنها امسال با آغاز زود هنگام محدودیت‌های مربوط به گاز شرایط برای صنعت فولاد بدتر می‌شود. پیش‌بینی تولیدکنندگان فولاد حاکی از عدم تولید معمولی تن فولاد طی سال جاری در نتیجه ایجاد محدودیت‌های گاز است. در همین زمینه یک فعال صنعت فولاد، تنها راهکار کوتاه‌مدت مقابله با ناترازی گاز و تامین گاز صنایع را اصلاح قیمت و کنترل مصرف گاز خانگی می‌داند. او در این رابطه گفت: مصرف خانگی در حال افزایش و میزان تولید و برداشت از مبادین گازی به دلیل عدم سرمایه‌گذاری برای اورهال کاهش یافته است. با این وضعیت میزان محدودیت گاز صنایع هر سال افزایش خواهد یافت.

این تولیدکننده فولاد گفت: بیش از ۸۰ درصد تولید فولاد در ایران وابسته به گاز است. اساساً استفاده از گاز مزیت رقابتی صنعت فولاد ایران است. به طور میانگین ۵ درصد گاز کشور توسط صنعت فولاد مصرف می‌شود. اما متأسفانه اولین محدودیت‌ها شامل حال صنعت فولاد می‌شود. به گفته وی، از مجموع محدودیت‌های گاز و برق، صنعت فولاد سالانه حدود ۳ تا ۵ میلیارد دلار عدم النفع تولید دارد.

قطع گاز صنایع در تابستان
شرکت‌های سیمنی وضعیتی به مراتب بدتر از سایر صنایع درخصوص تامین گاز دارند. به طوری برای اولین بار صنایع سیمنی در تابستان با قطع گاز مواجه شده‌اند. یک فعال صنعت سیمن درخصوص وضعیت تامین گاز صنایع سیمن با «دنیای اقتصاد» گفت: امسال برای اولین بار صنعت سیمن در تابستان درگیر محدودیت گاز و مجبور به مصرف ماژوت شده است. محدودیت‌های مربوط به گاز در سال ۱۴۰۲ در آبان ماه، در سال ۱۴۰۳ در نیمه دوم مهر و در سال ۱۴۰۴ از اول اردیبهشت آغاز شده است. این صنعت در حال حاضر با محدودیت ۷۵ درصدی گاز مواجه است و در حال حاضر صرفاً ۲۵ درصد گاز این بخش تامین می‌شود. وی افزود: صنعت سیمن برای جبران کسری گاز مجبور به استفاده از ماژوت شده است. مصرف ماژوت هزینه جانبی بالایی را به صنعت تحمیل می‌کند. هزینه حمل فرآورده نزدیک به قیمت خود سوخت است. در چنین شرایطی هزینه تامین سوخت حدود دو برابر افزایش می‌یابد که به رشد هزینه تولید منجر می‌شود.

این فعال صنعت سیمن گفت: ذخیره‌سازی سوخت ماژوت امسال زودتر انجام شده است. اما محدودیت گاز این فرصت را هم از صنعت سیمن گرفت. چرا در نتیجه مصرف، ذخیره‌سازی کامل ماژوت انجام نشده است. وی توضیح داد: میزان تولید سیمن در سال ۱۴۰۲، حدود

هر سال با آغاز فصل پاییز و سرد شدن هوا، بحث قطع گاز صنایع هم مطرح می‌شود. البته امسال صنایع با معضل جدیدی مواجه شدند که آن هم قطع گاز در تابستان بود. برای اولین بار گاز مورد نیاز صنعت سیمن در فصل گرم سال با محدودیت قابل توجهی مواجه شده است. یک کارخانه نیمه‌فعال سیمن در استان خراسان رضوی /عکس/ ایسنا با وضعیت پیش آمده هر سال عدم‌النفع صنایع از ناترازی انرژی بیشتر می‌شود. وضعیت بازار، اشتغال و برنامه‌های آتی صنایع هم دچار چالش می‌شود. اواخر دی ماه سال گذشته بود که صنعتگران از تصویب قطع کامل برق و گاز صنایع خبر دادند. اقدامی که اعتراض شدید وزیر صمت را به دنبال داشت و در نهایت اجرایی نشد. با وجود این که سال گذشته وضعیت تامین انرژی صنایع تا این مرحله حساس پیش رفت، اقدام خاصی برای جلوگیری از تکرار این وضعیت طی امسال انجام نشده است. اماها نیز حاکی از تشدید ناترازی گاز طی سال جاری است. آن‌طور که سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز اعلام کرده است ناترازی سال گذشته ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون مترمکعب بوده و امسال به ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید. در واقع ناترازی گاز به نصف نیاز روزانه که ۷۰۰ میلیون مترمکعب است، می‌رسد. همچنین مدیرعامل شرکت ملی گاز نیز تصریح کرد که طی امسال گاز صنایع حیاتی مانند غذایی و دارو قطع نمی‌شود. اما تصمیم‌گیری در مورد صنایع عمده که انرژی‌بر هستند با توجه به ناترازی سنواتی که وجود دارد بستگی به درجه حرارت هوا و میزان مصرف بخش خانگی دارد.

عدم‌النفع دومیلیارد دلاری صنایع
فعالان اقتصادی می‌گویند همچنان با رشد مصرف گاز از یک سو و عدم افزایش تولید از سوی دیگر مواجه هستیم. این شرایط سبب می‌شود تا در بهترین حالت وضعیت قطع گاز صنایع مانند سال گذشته باشد. آنها می‌گویند عمده مصرف گاز در ایران، بخش خانگی است. اما خبری از اصلاح الگوی مصرف در این بخش نیست. همچنین برعکس خاموشی‌های برق، هیچ وقت گاز منازل قطع نمی‌شود و همواره صنایع در اولویت محدودیت‌ها قرار دارند.

آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران در پاسخ به این سوال که با توجه به تجربه چند سال گذشته درخصوص قطع گاز صنایع، آیا امسال برنامه‌ریزی در این زمینه انجام شده است یا خیر، به «دنیای اقتصاد» گفت: بعید است که در این مدت محدود ساختار اقتصاد کلان کشور تغییر کرده باشد و یا در مصرف گاز صرفه‌جویی جدی انجام شده باشد. به غیر از اصلاح الگوی مصرف راحل دیگری نداریم. احتمالاً قرار است مسوولین شرکت گاز هم مانند وزارت نیرو غافلگیر شوند و تلافی کسری‌ها را بر سر صنایع خالی کنند. نجفی گفت: تشکیل کنسرسیومی از پتروشیمی‌ها برای تامین گاز صنایع مطرح است. اما سرمایه‌گذاری و استحصال گاز از مبادین گازی حدود چهار سال طول می‌کشد. بحث است که این عدد در بهترین صورت نیاز پتروشیمی‌ها را تامین می‌کند. نجفی در پاسخ به این سوال که قطع برق آسیب بیشتری به صنایع وارد می‌کند یا گاز، گفت: قطع برق قطعاً آثار منفی گسترده‌تری دارد. واقعیت این است که همه صنایع ما وابسته به برق هستند، اما همه صنایع وابسته به گاز نیستند. با این وجود خسارت کسری و قطع گاز کمتر از قطع برق نیست.

وی افزود: سال گذشته عدم‌النفع صنایع از قطع گاز ۲ میلیارد دلار

بنابراین، اگر بانک‌های تجاری طبق قانون در همه کشورها-از جمله ایران- نمی‌توانند پول فیات خلق کنند که حق انحصاری آن فقط به بانک‌های مرکزی تعلق دارد، پس چگونه می‌توانند تورم پایدار ایجاد کنند؟ پاسخ ساده است: آنها نمی‌توانند! مگر اینکه فرض کنید بانک‌های تجاری در ایران خودشان مانند بانک مرکزی عمل می‌کنند و پول بیرونی خلق می‌کنند؛ به این معنا که تنها یک بانک مرکزی در ایران وجود ندارد، بلکه چندین بانک مرکزی وجود دارد. اگر چنین باشد، همان‌طور که در ابتدای مقاله قبلی اشاره کردم، این صرفاً یک مشکل نهادهی (سیاسی- حقوقی) است که نیازمند اصلاح نهادهی است. تورم در بلندمدت، دست‌کم، همیشه و همه‌جا یک مساله مالییه-پولی است و تورم پایدار اساساً یک مساله مالییه است. وقتی سیاست مالییه به‌طور مسوولانه اجرا شود، بانک مرکزی می‌تواند از طریق سیاست پولی مناسب به ثبات قیمتی دست یابد. اما اگر سیاست مالییه مسوولانه اجرا نشود، بانک مرکزی نه‌تنها سطح عمومی قیمت‌ها را تثبیت کند، ثبات قیمتی مستلزم وجود نهادهای مالییه و پولی کارآمد، پاسخگو و مسوول است.

البته، بسیاری چیزها ممکن است در بخش بانکی به‌اشتباه پیش برود، همان‌طور که در طول بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۷ شاهد بودیم؛ دومین رکود بزرگ اقتصادی پس از رکود بزرگ سال ۱۹۲۹. این بحران به‌طور گسترده به فروپاشی وام‌های رهنی پریسک (سایپ‌پرایم) نسبت داده می‌شود که در آن موسسات مالی به‌دلیل ضعف در مقررات‌گذاری نهادهای بدون ماهیت سپرده‌گذاری، نظارت ناکافی بر محصولات پیچیده مبتنی بر وام‌های رهنی و صدور گسترده وام‌های «Subprime» به وام‌گیرندگان با امتیاز اعتباری پایین و سابقه بازپرداخت ضعیف، وارد ریسک‌پذیری بیش از حد شدند. این رفتار سوداگرانه (دنبال کردن راهبردهای پرخطر برای کسب سود کوتاه‌مدت از طریق دسترسی آسان به اعتبار و اعتبار خلق کردن) و به اصطلاح آربیتراژ مقرراتی (بهره‌برداری از خلأهای موجود در مقررات مالی) در نهایت به رکودی شدید و حتی کاهش چندساله سطح عمومی قیمت‌ها (تورم منفی) منجر شد و نه تورم پایدار! همچنین توجه کنید که در تمام آن سال‌های خلق اعتبار بیش از حد توسط بخش بانکی در اقتصادهای پیشرفته و قبل از بحران، تورم به‌طور پایدار پایین و نزدیک به هدف خود باقی ماند. دلیل آن این است که این نوع خلق پول توسط بخش بانکی تجاری در اقتصاد پولی «پول درون‌زا» نامیده می‌شود که نوعی دارایی است پشتیبانی شده توسط هر شکل از اعتبار خصوصی که به‌عنوان مبادله پول در گردش قرار می‌گیرد و به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند در بلندمدت منجر به تورم شود یا در کوتاه‌مدت زمانی که مقام پولی وظیفه خود را به‌درستی انجام می‌دهد! اگر اقتصاددانانی در ایران ادعا کنند که این موضوع در بخش بانکی آنجا صدق نمی‌کند، بر عهده خودشان است! ادعای خود را با ارائه بنیان تئوریک و شواهد تجربی در این زمینه ثابت کنند و اجماع میان اقتصاددانان پولی در این خصوص را به چالش بکشند. عنوان پژوهشگری در این حوزه، هرگز کار جدی‌ای ندیده‌ام که نشان دهد بخش بانکی به‌تنهایی می‌تواند منجر به تورمی از نوعی شود که ما در ایران تجربه کرده‌ایم. در واقع، من هرگز هیچ کار جدی‌ای در ادبیات اقتصادی موجود ندیده‌ام که نشان دهد ریشه تورم بلندمدت در چیزی غیر از سیاست‌های مالییه‌بد و نهادهای مالییه ضعیف و غیرمسوولانه باشد.

♥ سیاستگذاری در زمین فین تک

فناوری‌های نوین مالی(فین‌تک‌ها) در سطح جهانی به‌عنوان مکملی برای بانکداری خرد مطرح شده‌اند و می‌توانند با تسریع و تسهیل فرآیند وام‌دهی، نقش موثری در بهبود دسترسی به خدمات مالی ایفا کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم اعتبارات پرداختی از طریق این ابزارها به‌طور میانگین در جهان حدود ۱۵ درصد است، درحالی‌که در ایران بر اساس آخرین آمار، این سهم تنها بین ۱ تا ۱.۵ درصد قرار دارد. به عقیده کارشناسان از ظرفیت‌های بالقوه فین‌تک‌ها، به‌ویژه در حوزه وام‌دهی و اعتبارات خرد، به‌خوبی بهره‌برداری نشده است. در همین راستا، بانک مرکزی به‌تازگی پیش‌نویس راهبرد توسعه و تنظیم‌گری فناوری‌های نوین مالی را منتشر کرده است. تقویت محیط قانونی، فراهم‌سازی بستر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و همچنین سازماندهی و یکپارچه‌سازی فعالیت فین‌تک‌ها از جمله اولویت‌هایی است که این نهاد برای ارتقای زیست‌بوم مالی کشور مورد تأکید قرار داده است.

با تغییر الگوهای رفتاری مشتریان و افزایش انتظارات کاربران از خدمات مالی دیجیتال، صنعت پرداخت و نظام‌های مالی در سطح جهانی وارد مرحله‌ای از تحولات بنیادین شده است. گسترش به‌کارگیری فناوری‌های نوین چارچوب‌های سنتی ارائه خدمات مالی را دگرگون کرده و مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌ها) را به یکی از مهم‌ترین روندهای نوظهور در اقتصاد جهانی بدل ساخته است. ایران نیز به دلیل ضرب بالای نفوذ اینترنت و گسترش استفاده از تلفن‌های هوشمند، از ظرفیت قابل‌توجهی برای توسعه خدمات مالی دیجیتال برخوردار است. وجود جمعیت جوان و آشنا با فناوری، بازار بزرگی را برای ارائه خدمات مالی نوآورانه در کشور فراهم کرده و بستری مناسب برای رشد فناوری‌های نوین مالی ایجاد کرده است.

از سوی دیگر، ساختار سنتی نظام بانکی در حوزه تأمین مالی و ارائه تسهیلات، با محدودیت‌ها و پیچیدگی‌هایی همراه است. فرآیند دریافت وام در بانک‌ها غالباً نیازمند بلوکه کردن مبلغی در حساب‌بانکی و ارائه مدارک متعدد است؛ شرایطی که برای بسیاری از اقرا قهدهموزه اقشار کم‌درآمد دشوار یا حتی غیرممکن است و در نتیجه دسترسی آنها به منابع مالی محدود می‌شود. در مقابل، فین‌تک‌ها با حذف بخشی از این موانع و ارائه راهکارهای انعطاف‌پذیرتر، توانسته‌اند توجه کاربران را به خود جلب کنند و به گزینۀای کارآمد برای تأمین مالی خرد و ارائه خدمات اعتباری بدل شوند.

راهبرد بانک‌مرکزی در رابطه با فین‌تک‌ها به تازگی با تمرکز بر توجه به پتانسیل رو به رشد فناوری‌های مالی در نظام پولی و بانکی کشور، راهبردی جامع را در زمینه تنظیم‌گری و گسترش فین‌تک‌ها تدوین کرده است. هدف اصلی این سند، رویکرد، ایجاد تعادل میان حمایت از نوآوری و تضمین ثبات مالی است. بر این اساس، بانک مرکزی در گام نخست به دنبال تقویت محیط قانونی و نظارتی است تا از یکسو فضای مطمئن و شفافی برای فعالیت شرکت‌ها، نوآر فراهم شود و از سوی دیگر، امکان بروز رقابت سالم در بازارهای مالی به وجود آید. همزمان با این اقدام، توسعه ابزارهای نوین نظارتی در دستور کار قرار گرفته تا با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، ریسک نکول کاهش و سطح شفافیت و اثربخشی نظارت در حوزه پولی و بانکی ارتقا یابد.

در کنار بعد نظارتی، فراهم‌سازی زمینه سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی نیز بخش مهمی از این راهبرد را تشکیل می‌دهد. بانک مرکزی با حمایت از حضور فعال فین‌تک‌ها در روندهای ملی و جهانی و تسهیل دسترسی آنها به منابع مالی، تلاش دارد امکان رشد و توسعه پایدار این صنعت را فراهم آورد. در همین راستا، ایجاد بستر همکاری و هم‌افزایی میان بازیگران اصلی زیست‌بوم فین‌تک کشور، به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی دنبال می‌شود. در این راستا شکل‌گیری رگولاتور واحد صنعت فین‌تک در کشور به منظور هماهنگ‌سازی بین‌نهادی و تدوین سیاست‌های یکپارچه از اولویت بالایی برخوردار است. در نهایت، این راهبرد بر شکل‌گیری ساختارهایی برای اشتراک‌گذاری دانش و تبادل ایده‌ها و محصولات نوآورانه تأکید دارد؛ ساختارهایی که می‌توانند به ارتقای کیفیت خدمات مالی، گسترش دسترسی مردم به ابزارهای نوین و تقویت جایگاه فین‌تک‌ها منجر شوند. به این ترتیب، سیاست بانک مرکزی در قبال فین‌تک‌ها نه صرفاً رویکردی نظارتی، بلکه حرکتی هماهنگ برای حمایت، ساماندهی و هدایت این صنعت نوظهور در جهت منافع کلان اقتصاد کشور است.

■ ■ ■

♥ حذف صفر از پول ملی؛ اقدامی اصلاحی یا سیاستی نمادین؟

با تصویب لایحه حذف چهار صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی مجلس، بار دیگر بحث بر سر کارآمدی این سیاست در دستور کار فضای عمومی و تخصصی کشور قرار گرفته است. طبق اعلام مقامات، این لایحه پس از بررسی کارشناسی در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و رفع ایرادات قبلی، به زودی در صحن علنی مجلس مطرح خواهد شد. اما پرسش کلیدی این است: آیا حذف صفر از پول ملی در شرایط فعلی اقتصاد ایران، می‌تواند گامی موثر در جهت بهبود نظام پولی و مالی کشور باشد یا صرفاً نمادی از نماندین و فاقد اثر‌گذاری اقتصادی خواهد بود؟ در شرایط اقتصادی کنونی ایران، حذف صفرها چه دستاوردی خواهد داشت؟ و آیا می‌توان آن را گامی موثر در راستای بهبود عملکرد اقتصادی دانست یا صرفاً اقدامی نمادین در ظاهر مساله است؟



مسکن در «۱+۲» سناریو

مریم لطفی – صحنه‌گردانان بازار مسکن در نیمسال دوم، سه کارگردان – یکی داخلی و مابقی خارجی – است: تورم تولید، فرجام آتش‌بس و آینده تحریم‌ها. بر این اساس، سه سناریو برای قیمت مسکن و نبض سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی قابل تحلیل و بر آورد است.

یک سناریو می‌تواند «توافق» باشد. سناریوی دوم، «پیچیده‌ترشدن تحریم‌ها» است

که در این صورت، روند کاهش‌ی ۵ماه اخیر «قیمت واقعی مسکن» با تغییراتی همراه می‌شود. سناریوی سوم در صورت «خاتمه کامل جنگ» قابل تصویر است. در بررسی «دنیای‌اقتصاد»، برای هر کدام از سناریوها، ارقام مربوط به تجربه دوره‌های قبل بازار مسکن تشریح شده است.

فرید قدیری: بازار املاک شامل معاملات مسکن و تولید ساختمان در ماه‌های آینده دست‌کم تا پایان ۴۰۴- از ۳ فاکتور تأثیر می‌پذیرد؛ دو مورد آنها بیرون از این بخش فعال هستند که یکی از آنها اقتصادی و دیگری غیراقتصادی محسوب می‌شود، فاکتور سوم نیز مرتبط با درون این بازار است که البته سطح اثرگذاری آن بسیار کمتر (حتی ناچیز) از دو کارگردان اولی است. در این مقاله قصد بر آن است با استناد به آخرین وضعیت نبض بخش مسکن و ساختمان و تمرکز به روند ماه‌های اخیر، به این پرسش پاسخ دهیم که با شرایط پیش رو در حوزه‌های «آتش‌بس بعد از جنگ ۱۲ روزه»، «رفتار احتمالی غرب در برابر آینده برجام و تحریم» و همچنین «شرایط اقتصادی کشور و انتظارات عمومی»، سرنوشت قیمت ملک و سرمایه‌گذاری ساختمانی چگونه خواهد بود.

۳ کارگردان در بازار مسکن

بازار مسکن در حال حاضر از سه عامل، جهت می‌گیرد یا به آنها متناسب با وضعیت که دارند، واکنش نشان خواهد داد. این سه عامل را می‌تواند «کارگردانان ظاهرا غیر وابسته و مستقل از هم» در زمین بخش مسکن و ساختمان عنوان کرد اما در واقعیت، بین طراحی‌های آنها، مستقل از بخش مسکن، تأثیرگذاری‌هایی وجود دارد.

این سه کارگردان بازار مسکن در نیمسال دوم ۱۴۰۴ شامل «رتکب ریسک‌های غیر اقتصادی و ریسک تنش»، «تورم تولید ساختمان» و «قدرت خرید تقاضای مسکن» است. ظاه این متغیرها اینگونه است که قدرت خرید ارتباطی به تورم مصالح‌ساختمانی ندارد یا این فاکتور تورمی وابسته به شرایط تولید مصالح‌ساختمانی است و ارتباطی به ریسک غیر اقتصادی ندارد. اما روند ۷ سال گذشته مجموع متغیرهای اقتصادی بخش مسکن و ساختمان نشان داده، فراز و فرود ریسک‌های اقتصادی و غیراقتصادی، سهم قابل‌توجهی در جهت‌دهی به متغیرهای کلیدی این بخش همچون قیمت و رشد تولید



تغییرات نرخ ارز خواهد بود. اما در همین سناریوی پیچیده‌شدن تحریم، چنانچه ریسک تنش نظامی [] با توجه به اینکه هنوز در وضعیت آتش‌بس هشتمین و به قول دبیر شورای عالی امنیت ملی، هنوز جنگ تمام نشده است– افزایش یابد، احتمال ادامه رکود هفته‌های اخیر مسکن بالا خواهد بود و قیمت واقعی مسکن به احتمال زیاد، کاهش می‌یابد و نبض تولید نیز متأثر خواهد شد. حالت اول این سناریو، یعنی پیچیده‌شدن تحریم بدون افزایش ریسک تنش، در سال‌های ۹۷ تا ۹۹ در بخش مسکن و ساختمان تجربه شد. در آن مقطع، تورم مسکن در سطح بالایی ثبت شد و قیمت واقعی مسکن متوسط سالانه ۳۷درصد افزایش یافت. تشکیل سرمایه در بخش مسکن نیز در آن سال‌ها متوسط سالی ۷ درصد کاهش یافت.

سناریوی سوم؛ خاتمه جنگ با تعیین تکلیف آتش‌بس بخش مسکن و ساختمان در کنار واکنش‌های احتمالی که به موضوع «سرنوشت بند اسنپ‌ک یا همان مکانیسم ماشه» در مسیر آینده تحریم‌ها بروز خواهد داد، در ماه‌های اخیر و همچنین ماه‌های پیش‌رو، با ریسک دیگری از نوع غیر اقتصادی با جنس تنش نظامی مواجه است. از ۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه، بروز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با تجاوز نظامی (حملات هوایی) رژیم صهیونیستی به خاک ایران، بخش مسکن و ساختمان یک مرحله دیگر در رکود فرو رفت. معاملات خرید آپارتمان تقریباً متوقف شد، قیمت مسکن کاهش پیدا کرد و سرمایه‌گذاری تولیدی نیز همین‌چور. از روز ۳ تیر تاکنون که شرایط «آتش‌بس» برقرار است، تقریباً شرایط بازار مسکن شبیه همان ۱۲ روز است به این معنا که تحرک محسوس و پایداری در سمت خرید و معاملات مسکن اتفاق نیفتاده و انتظارات سرمایه‌گذاران ساختمانی نیز به گونه‌ای است که با توجه به سطح بالای تورم تولید و کاهش قیمت مسکن و اثر این دو بر عایدی تولید و در عین حال ریسک‌های دیگر، امکان خروج از رکود تولید را ندارند.

با این حال چنانچه تکلیف آتش‌بس روشن شود و جنگ به شکل قطعی و کامل، خاتمه پیدا کند، شرایط بازار مسکن به وضعیت «قبل از ۵ ماه اخیر» و «قبل از یکسال ۴۰۳» یا بهتر است در مجموع گفته شود به وضعیت «قبل از شروع سال ۱۴۰۳» برمی‌گردد. از ابتدای سال ۱۴۰۳ با بروز «ریسک تنش نظامی» تحت‌تأثیر افزایش سطح جنگ در منطقه با تجاوزگری رژیم صهیونیستی (حمله به کنسولگری ایران در ۱۳ فروردین همان سال)، معادلات بخش مسکن و ساختمان نسبت به دوره ۹۷ تا ۱۴۰۲ تغییر کرد. در آن دوره، ریسک غیراقتصادی از جنس تحریم و تقابل سیاسی غرب با ایران بود که اثر آن، عمدتاً به شکل افزایش انتظارات تورمی و اثر پذیری نسبی قیمت مسکن از حرکت قیمت دلار بود. اما در سال ۱۴۰۳، ارتباط معنادار رشد قیمت ارز و رشد قیمت مسکن تقریباً مختل شد؛ چرا که بروز ریسک تنش نظامی، ریسک سرمایه‌گذاری ملکی را بالا برد و در نتیجه از خریدهای سرمایه‌ای آپارتمان کاست و باعث ثبات یا کاهش قیمت مسکن شد.

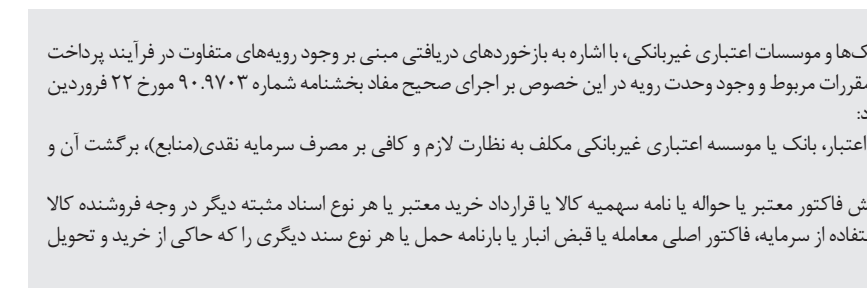
در سال ۱۴۰۳، قیمت واقعی مسکن به معنای حذف اثر تورم عمومی از روند رشد قیمت اسمی، ۱۴ درصد کاهش یافت که افت قابل‌توجهی در مقایسه با رشد مثبت قابل‌توجه قیمت واقعی مسکن در سال‌های قبل از آن است. طی ۵ ماه اول امسال نیز از آنجا که ریسک تنش نظامی بیشتر شد و به جنگ ۱۲ روزه انجامید، قیمت واقعی افت بیشتری نسبت به یکسال قبل از آن تجربه کرد؛ منفی ۱۵٫۸ درصد.

بسه این ترتیب، در صورت پایان کامل جنگ و عبور از فاز آتش‌بس به فاز خاتمه «احتمال حملات دوباره»، احتمالاً روند افت قیمت واقعی، متوقف یا خفیف می‌شود و به نوعی، آن حالتی که طی ۲ ماه گذشته در بخش مسکن و ساختمان وجود داشت، کاهش پیدا می‌کند یا از بین می‌رود. در این سناریو، چنانچه در موضوع تحریم‌ها نیز توافق حاصل شود، بخش مسکن به سمت گذار از رکود حرکت می‌کند و چنانچه این ریسک غیراقتصادی فعال باشد، شرایط رکود تورمی در مسکن و ساختمان با احتمال بالا برقرار خواهد بود.

درباره آینده بخش مسکن و ساختمان و تأثیر تنش‌ها بر بخش مسکن و ساختمان، اخیراً فردین بردانی مطالعه‌ای انجام داده است. این مطالعه که به سفارش سرمایه‌گذاری توس‌گستر تهیه شده، نشان می‌دهد، کسب‌وکارها در وضعیت جنگی با نااطمینانی گسترده و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌روبرو می‌شوند. بازارها نیز شاهد حرکت سرمایه‌ها به سمت پناهگاه‌های امن خواهند بود که املاک و مستغلات جزو آن نیست به طوری‌که تقاضای موثر برای خرید کالاهای غیرضروری کاهش می‌یابد. در بخش ساختمان نیز سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

براساس این مطالعه، طی بهار امسال جواز ساخت در تهران در حد ۲۰۰۰ واحد مسکونی صادر شده است. بررسی‌های «دنیای‌اقتصاد» از ابعاد این آمار در مطالعه مذکور نشان می‌دهد، این رقم، «کمترین میزان» درخواست سرمایه‌گذاری ساختمانی در پایتخت در یک فصل، طی همه سال‌های اخیر است که در رکود بی‌سابقه تولید ساختمان را تصویر می‌کند. این تصویر همانی است که در ابتدای مقاله درباره اثر بروز ریسک‌ها بر نبض تولید و سرمایه‌گذاری ساختمانی عنوان شد. در این مطالعه، حجم معاملات مسکن در تهران طی بهار امسال نیز ۴هزار واحد مسکونی اعلام شده است.

از ابعاد این آمار نیز حاکی است، فروش ۴ هزار واحد در ۳ ماه، حتی از «فروش در یک ماه» در شرایط نرمال بازار مسکن نیز کمتر است و این رکود نیز تقریباً بی‌سابقه بوده است.



رکود تولید در جاده مخصوص

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، این بانک در ابلاغیه‌ای خطاب به تمامی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی، با اشاره به بازخورد‌های دریافتی مبنی بر وجود رویه‌های متفاوت در فرآیند پرداخت تسهیلات مضایره به شبکه بانکی کشور، به منظور حصول اطمینان از تبیین صحیح مقررات مربوط و وجود وحدت رویه در این خصوص بر اجرای صحیح مفاد بخشنامه شماره ۹۰۹۷۰۳ مورخ ۲۲ فروردین ۱۳۹۰ بانک مرکزی، موارد زیر را در مورد پرداخت تسهیلات مضایره مجدد تأکید کرد:

- با توجه به ماده ۱۰ «دستورالعمل اجرایی عقد مضایره» مصوب شورای پول و اعتبار، بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی مکلف به نظارت لازم و کافی بر مصرف سرمایه نقدی(منابع)، برگشت آن و همچنین عملیات اجرایی مضایره است.
- پرداخت سرمایه مضایره به بازگانی داخلی جهت خرید کالا باید در مقابل پیش فاکتور معتبر یا حواله یا نامه سهمیه کالا یا قرارداد خرید معتبر یا هر نوع اسناد مثبته دیگر در وجه فروشنده کالا صورت گیرد. در این حالت عامل موظف است حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ استفاده از سرمایه، فاکتور اصلی معامله یا قبض‌ال انبار یا بارنامه حمل یا هر نوع سند دیگری را که حاکی از خرید و تحویل کالا باشد به بانک یا موسسه اعتباری غیربانکی ارائه کند.

صنعت کشور از جمله خودروسازی را تحت‌تأثیر قرار دهد. از مهم‌ترین این نااطمینانی‌ها می‌توان به احتمال فوالساز‌ی مکانیسم ماشه اشاره کرد. این موضوع می‌تواند باعث تشدید تحریم‌ها و رشد بهای ارز شود که این روند به ضرر تولید محترم تمام خواهد شد.

جزئیات تولید خودروسازان

اما ناگاهی به عملکرد هر یک از خودروسازان بزرگ کشور در پنج ماهه ابتدایی سال داشته باشیم، طی این مدت زمان سایپا و پارس خودرو به طور قابل‌توجهی افت تولید داشته‌اند اما

ایران‌خودرو مسیر متفاوتی را طی کرده و حتی کمی رشد تولید را ثبت کرده است. ۵۰ درصد افزایش دهند. همچنین ایران‌خودرو اعلام کرده طی این مدت ۱۳هزار و ۹۰۳ پنج ماه گذشته ۸۸۷ دستگاه هایما را مونتاژ کرده‌اند، این در حالی است که در مدت مشابه سال گذشته، ایران‌خودرویی‌ها در تولید اعضای این خانواده افت ۱۷٫۷ درصدی داشته‌اند.

در بین دیگر محصولات ایران‌خودرو، گروه سورن تیراز ۵۴هزار و ۵۸۱ دستگاهی را در پنج ماه ابتدایی امسال از خود به جا گذاشته است. با در نظر گرفتن تیراز ۲۶ هزار و ۳۴۵ دستگاهی این گروه خودرویی در مدت مشابه سال گذشته، ایران‌خودرویی‌ها توانسته‌اند تولید در این گروه ۵۰ درصد افزایش دهند. همچنین ایران‌خودرو اعلام کرده طی این مدت ۱۳هزار و ۹۰۳ دستگاه دا را به تولید رسانده است. با توجه به تیراز ۲۳ هزار و ۷۸۳ دستگاهی این خودرو در مدت مشابه سال پیش، تولید دنا ۵۶ درصد کاهش را تجربه کرده است.دیگر محصول ایران‌خو درو به نام رانا در مجموع در آمار پنج ماهه تیراز سه‌هزار و ۷۹۱ دستگاهی را ثبت کرده است.

این خودرو در پنج ماهه سال پیش، به میزان ۶هزار و ۵۸۵ دستگاه تولید شده بود بنابراین تولید این محصول را به خودر دنا ۲۴٫۴ درصدی مواجه بوده است. علاوه بر این ایران‌خودرویی‌ها طی پنج ماه گذشته ۸ هزار و ۸۸۷ دستگاه هایما را مونتاژ کرده‌اند، این در حالی است که در مدت مشابه ۱۴۰۲، تیراز این مونتاژی چنین پنج هزار و ۵۹۰ دستگاه بود. بر این اساس تولید این خودروی مونتاژی رشد ۵۹ درصدی داشته است.

اما سایپا به عنوان دومین خودروساز بزرگ کشور، در پنج ماه گذشته ۶۹ هزار و ۴۲۱ دستگاه خودروی سواری تولید کرده که این رقم در مدت مشابه پارسال به میزان ۱۰۷ هزار و ۷۲۹ دستگاه بوده است. بنابراین در این مدت زمانی نارنجی‌پوشان جاده‌مخصوص ۳۰هزار و ۳۱۸



در سال ۱۴۰۳، قیمت واقعی مسکن به معنای حذف اثر تورم عمومی از روند رشد قیمت اسمی، ۱۴ درصد کاهش یافت.



روزنامه‌مارز اقتصاد

شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۷۵۰
www.marzeghtesad.ir

♥ تالار شیشه‌ای یا اتاق انتظار؟

تالار شیشه‌ای این روزها به اتاق انتظار تبدیل شده است. بسیاری از سهام با نسبت قیمت به درآمد پایین معامله می‌شوند، اما تثبیت نرخ دلار توافقی زیر ۷۰ هزار تومان و نرخ سود ۳۵ درصدی، فضای رشدی بازار را محدود کرده است. این وضعیت، سرمایه‌گذاران را محتاط و محتاج به ابزارهای کم‌ریسک مانند صندوق‌های درآمد ثابت و طلا کرده است. هرچند بازار در مقاطعی صعودی می‌شود، اما نبود اعتماد و فشار فروش اجازه تداوم نمی‌دهد. در چنین فضایی به اعتقاد کارشناسان تنها یک تحول سیاسی یا اقتصادی می‌تواند مسیر بورس را تغییر دهد.

بورس نیازمند محرک سیاسی احمد اشتیاقی، تحلیلگر بازار سرمایه، درباره وضعیت فعلی بورس گفت: «بازار در این مقطع نشان داده است که برای شکل‌گیری یک روند صعودی پایدار، نیازمند تخصیص نقدینگی بیشتر در روزهای مثبت است. اما با فضای کنونی، فروشندگان همچنان اطمینان کافی ندارند و شرایط بازار حالت تعلیقی پیدا کرده است. به همین دلیل، خریداران با قدرت وارد نمی‌شوند و فروشندگان نیز به‌صورت پله‌ای در بازار ظاهر می‌شوند. تنها در صورتی که صف‌های خرید با حجم بالا شکل بگیرد، می‌توان انتظار داشت روند صعودی ادامه پیدا کند؛ در غیر این صورت، معمولاً پس از یک روز مثبت، فروشندگان مجدداً وارد می‌شوند و بازار را منفی می‌کنند.»

او در ادامه افزود: «یکی از مهم‌ترین عواملی که این وضعیت را تشدید کرده، فضای مبهم سیاسی کشور است. از یک‌سو آینده توافق برجام با توافق احتمالی با آمریکا نامشخص است و از سوی دیگر، احتمال ارجاع پرونده ایران به نهادهای اروپایی و وجود دارد که غیر این صورت، به تشدید تحریم‌ها شود. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران تمایل بیشتری به صندوق‌های درآمد ثابت و صندوق طلا پیدا کرده‌اند. به‌طور معمول، برتقوی سرمایه‌گذاران از سهام کاسته و به سمت این ابزارهای کم‌ریسک حرکت می‌کند. برای نمونه، اگر سرمایه‌گذاری بیش‌تر ۱۰۰ درصد سهام داشت، اکنون ممکن است نیمی از آن را فروخته و ۲۵ درصد در صندوق درآمد ثابت و ۲۵ درصد در صندوق طلا سرمایه‌گذاری کند تا بتواند ریسک‌های بیش‌رو را پوشش دهد.» اشتیاقی همچنین به وضعیت نرخ ارز و تاثیر آن بر بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: «از ابتدای سال تاکنون دلار توافقی در کانال زیر ۷۰ هزار تومان تثبیت شده و این موضوع ذهن سرمایه‌گذاران را به‌شدت درگیر کرده است. وقتی از یک‌سو نرخ سود بانکی روی ۳۵ درصد قرار دارد و تورم در حدود ۳۰ درصد است، اما اجازه رشد نرخ دلار داده نمی‌شود، طبیعی است که سودآوری شرکت‌ها نیز رشدی نکند. این شرایط در کنار ابهامات سیاسی، بازار را در حالت تعلیق قرار داده و سرمایه‌گذاران را محتاط‌تر کرده است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه در پایان خاطرنشان کرد: «تاکنون بسیاری از سهام‌ها در نقاط ارزنده‌ای معامله می‌شوند و قیمت‌ها حتی پایین‌تر از ارزش ذاتی قرار گرفته است. نسبت قیمت به درآمد (P/E) بیشتر شرکت‌ها در محدوده ۴ تا ۴ واحد قرار دارد که نشان‌دهنده ارزندگی بازار است. با این حال، تنها در صورتی می‌توان انتظار داشت بازار وارد روند صعودی شود که با تصمیمات سیاسی مهمی اتخاذ شود یا بستری‌های جدیدی برای افزایش سودآوری شرکت‌ها فراهم شود. در غیر این صورت، بازار در همین نقاط تعادلی نوسان خواهد داشت و نمی‌توان چندان امیدوار به رشد بزرگتر آن بود.»علاوه بر این، فضای‌گذاری دستوری همچنان به‌عنوان چالش بالایی جانب صنایع باقی مانده و فشار مضاعفی بر آنها وارد کرده است.»

.....

♥ افت نسبت شاخص کل به شاخص هم‌وزن

بررسی امار و ارقام نشان می‌دهد که نسبت شاخص کل به هم‌وزن در پایان معاملات روز گذشته به سطح ۳۰۲٫۶ واحدی رسیده است. این نسبت در پایان سال گذشته در سطح ۳۰۴٫۱ واحدی قرار داشت و افت این نسبت نسبت به ابتدای سال، نشانگر عملکرد بهتر سهام کوچک در قیاس با سهام بزرگ تالار شیشه‌ای است. بررسی یازدهی شاخص‌ها نیز این نکته را تایید می‌کند؛ درحالی‌که شاخص کل بورس از ابتدای سال افت ۷٫۳ درصدی را متحمل شده، شاخص هم‌وزن تنها ۳ درصد از ارتفاع خود را از دست داده است. پس عملکرد بهتر نمادهای کوچک در قیاس با نمادهای بزرگ، موجب افت کمتر شاخص هم‌وزن در قیاس با شاخص کل و نهایتاً کاهش نسبت شاخص کل به هم‌وزن شده است. افت نسبت شاخص کل به شاخص هم‌وزن تفاوت شاخص کل و شاخص هم‌وزن شاخص کل بورس تهران به سه عنوان ناماگر اصلی بازار سهام شناخته می‌شود. این شاخص نماینده و مقیاس سنجش عملکرد بازار سهام به دیگر بازارها است. در سال‌های اخیر همواره تحلیلگران و سهامداران اشکالاتی را به شاخص کل مطرح کرده‌اند و همگی متفق‌القول بر این موضوع تاکید دارند که شاخص کل، دماسنج مناسبی برای بیان وضعیت بازار سهام نیست و نمی‌توان عملکرد شاخص کل را به سدهای معاملاتی سهامداران تعمیم داد. البته آنچه که از سوی این افراد مطرح می‌شود، درست است.

تنفس مصنوعی به بورس



فرحناز نعمتی – شاخص کل بورس تهران در شرایطی روز یکشنبه حدود ۱.۴۴ درصد افزایش یافت که علانمی از تغییر محسوس تقاضا در بازار مشاهده نشد.

درصد سبزی‌پوش بود و روز یکشنبه را در سطح ۲۳ هزار و ۴ واحدی کار خود را به اتمام رساند. ارزش معاملات خرد روز یکشنبه بازار سرمایه که شامل سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی بازار می‌شود مقدار ۳ هزار و ۴۱۱ میلیارد تومانی را ثبت کرده است که نسبت به روز شنبه حدود ۲۸ درصد افت داشته است. از طرفی حدود ۲۲۴ میلیارد تومان نقدینگی به بازار تزریق شد.

چشم‌انداز پرسنگلاخ بازار

پیام الیاس‌کردی، کارشناس بازار سرمایه در خصوص وضعیت بازار روز یکشنبه اظهار کرد: بازار سرمایه در شرایط کنونی تحت‌تاثیر عوامل متعددی قرار دارد که از یک‌سو با ریسک‌های سیستماتیک مواجه است و از سوی دیگر نشانه‌هایی از بهبود تدریجی را نشان می‌دهد. کاهش حضور فروشندگان در بازار و تقویت نقش خریداران، می‌تواند نوب‌دیش تغییراتی مثبت در آینده نزدیک باشد. البته به نظر می‌رسد بازار سهام در مقطع کنونی با کاهش قابل‌توجه فشار فروش مواجه شده است. فروشندگان که پیش‌تر نقش پررنگی در افت شاخص‌ها داشتند، اکنون تضعیف شدند و خریداران به‌تدریج نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کنند. این تغییر می‌تواند به بهبود شرایط بازار کمک کند.

از سوی دیگر ریسک‌های سیستماتیک، انزوای بین‌المللی و مسائل مرتبط با مذاکرات بین‌المللی، همچنان بر بازار سایه افکنده است. بااین‌حال، به نظر می‌رسد بازار بسیاری از این ریسک‌ها را پیش‌خور کرده و تاثیر آنها تا حد زیادی در قیمت‌ها منعکس شده است. فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تحولات سیاسی در روزهای آینده می‌تواند تکلیف بسیاری از ابهامات را روشن کند. باید عنوان کرد بازار طلا همچنان در حال ثبت سقف‌های

قیمتی جدید است، اما این بازار پیش از رسیدن به مقاومت‌های کلیدی، مانند ۹ میلیون تومان، نیاز به یک دوره استراحت دارد. در زمانی که تکلیف مذاکرات بین‌المللی مشخص نشود، انتظار واکنش‌های قابل‌توجه از طلا و دلار نمی‌رود. بااین‌حال، در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه یا تشدید تنش‌ها، واکنش این بازارها می‌تواند شدید باشد. الیاس‌کردی در خصوص وضعیت صنایع اظهار کرد: صنایع مختلف در بازار سرمایه همچنان تحت‌تاثیر ریسک‌های متعدد، از جمله تنش‌های بین‌المللی و مسائل اقتصادی کلان قرار دارند. با این‌حال، برخی صنایع به دلیل ارزش‌گذاری پایین، از جذابیت خاصی برخوردار هستند. ارزش دلاری بازار سهام در حال حاضر در پایین‌ترین سطوح خود قرار دارد و از منظر بنیادی نیز بسیاری از سهام در کف‌های قیمتی بی‌سابقه‌ای معامله می‌شوند. این موضوع می‌تواند فرصت‌های جذابی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کند. البته اقتصاد ایران با چالش‌هایی نظیر تورم مزمن، نرخ بهره بالا و شرایط نامناسب برای تولید مواجه است. این عوامل موجب شدند که بازار سهام نتواند به طور کامل از تورم پیشی بگیرد. با این‌حال، همبستگی تاریخی بین رشد قیمت دلار و بهبود بازار سهام نشان می‌دهد که در صورت افزایش نرخ ارز، بازار سهام نیز می‌تواند رشد قابل‌توجهی را تجربه کند. در این میان با ورود به فصل پاییز که به طور سنتی دوره‌ای مثبت برای بازار سهام بوده، انتظار می‌رود بازار شاهد تقاضای بیشتری باشد. به نظر می‌رسد روزهای آینده روزهای مثبت بازار از روزهای منفی پیشی بگیرد و به‌تدریج بازار ثبات بیشتری پیدا کند. باوجود این، ریسک تشدید تنش‌ها همچنان به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای بازار مطرح است. در مقابل، اخبار مثبت می‌توانند واکنش‌های صعودی قابل‌توجهی را در بازار ایجاد کنند. متولیان بازار سرمایه برای بهبود شرایط باید بر تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و حمایت از کسب‌وکارها تمرکز کنند. تا زمانی که اقتصاد کلان و بازارهای اولیه شرایط مطلوبی نداشته باشند، انتظار عملکرد قوی از بازار سهام غیرواقع‌بینانه خواهد بود. در مجموع، باوجود ریسک‌های موجود، نشانه‌هایی از بهبود در بازار سهام دیده می‌شود. سرمایه‌گذاران باید بادقت تحولات سیاسی و اقتصادی را رصد کرده و از فرصت‌های موجود در صنایع با ارزش‌گذاری پایین بهره ببرند.

چالش‌های پیش‌روی بازار

مریم محبی، کارشناس بازار سرمایه وضعیت روز یکشنبه بورس را این‌گونه مورد تحلیل و ارزیابی قرارداد: در هفته پایانی اردیبهشت‌ماه سال جاری، قیمت دلار در محدوده ۸۲هزار تومان و شاخص کل بورس تهران در حدود ۳ میلیون و ۲۵۲ هزار واحد قرار داشت که ارزش دلاری بازار را به بیش از ۳۵ میلیارد دلار می‌رساند. اما در شهریورماه سال جاری، با کاهش شاخص کل به پایین‌تر از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد و افزایش نرخ ارز به حدود ۱۰۵ هزار تومان، ارزش دلاری بازار به حدود ۷۸ میلیارد دلار رسیده است.

این رقم نشان‌دهنده افت محسوس ارزش دلاری بازار از اردیبهشت ماه سال جاری است. از سوی دیگر، قدرت پول ملی در این دوره پنج‌ماهه، با توجه به کاهش ارزش ریال در برابر دلار، حدود ۲۰ درصد افت کرده است. این کاهش قدرت خرید، همراه با افت شاخص کل از منظر عددی، تکنیکال و ریالی، نشان‌دهنده فشار قابل‌توجه بر فعالان بازار سرمایه است. با وجود کاهش کلی ارزش بازار، برخی نهادهای و ابزارهای مالی تاثیر متفاوتی بر بازار داشتند. باید عنوان کرد صندوق‌های اهرمی، به دلیل ترکیب دارایی‌ها(سهام عادی و ممتاز) و ضریب اهرمی، نقش مهمی در نوسانات اخیر بازار ایفا کردند. در روزهای اخیر، پس از هفته‌ها عرضه متوالی، صندوق‌های اهرمی به حباب مثبت رسیدند و مجاز به صدور واحدهای جدید شدند. این اتفاق تقاضای جدیدی در بازار ایجاد کرد و به مثبت شدن بازار در روز یکشنبه کمک کرد.

از سوی دیگر نسبت شاخص کل بورس به صندوق‌های طلا به کمترین سطح تاریخی خود، یعنی پایین‌تر از ۴، رسیده است. این در حالی است که این نسبت در اردیبهشت ۱۴۰۴ حدود ۷ و در اوج بازار در مرداد ۱۳۹۹ حدود ۲۳ بود. این کاهش چشمگیر، سرمایه‌گذاران صندوق‌های طلا را به تبدیل بخشی از دارایی‌های خود به سهام ترغیب کرده و به ایجاد تقاضا در بازار کمک کرده است. بنابراین سه عامل کلیدی در رشد اخیر بازار سرمایه قابل شناسایی است. نخست کاهش ارزش دلاری بازار که این کاهش موجب شده شاخص کل و بسیاری از سهام، به‌ویژه سهام شرکت‌های بنیادی، در محدوده ارزندگی و کف قیمتی قرار گیرند و برای خریداران جذاب شوند. همچنین حساب مثبت صندوق‌های اهرمی که این صندوق‌ها با صدور واحدهای جدید، تقاضای تازه‌ای در بازار ایجاد کردند و البته نسبت پایین شاخص کل به صندوق‌های طلا که در کف تاریخی خود، سرمایه‌گذاران را به سمت خرید سهام سوق داده است.

محبی ادامه داد: نامه اخیر اتحادیه اروپا به شورای امنیت سازمان ملل درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه و مهلت ۳۰ روزه ایران برای دستیابی به توافق، می‌تواند تاثیرات عمیقی بر اقتصاد ایران و به‌ویژه بازار سرمایه داشته باشد. فعال‌سازی این مکانیسم می‌تواند فعالیت شرکت‌های بورسی را مختل کند، حاشیه سود آنها را کاهش دهد و نازاری در بخش انرژی و صنایع پتروپالایشی را تشدید کند. این امر به کاهش بیشتر ارزش بازار منجر خواهد شد. انتظار می‌رود در این ۳۰ روز، بازارهای مالی با سردرگمی بیشتری مواجه شوند و در انتظار تصمیم نهایی باقی بمانند. با توجه به تاثیر بالای اخبار سیاسی، مانند جنگ یا فعال‌سازی مکانیسم ماشه بر بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود متولیان بازار تمهیداتی برای کاهش هیجانات ناشی از این اخبار اتخاذ کنند. برای نمونه در دوره‌هایی مانند بازگشایی بازار پس از جنگ تحمیلی ۱۳۰۲ روزه، عدم مدیریت هیجانات به ریزش‌های سنگین منجر شد. محدود کردن موقت فعالیت بازار در زمان انتشار اخبار سیاسی حساس می‌تواند از نوسانات غیرضروری جلوگیری کند. محبی در پایان خاطر‌نشان کرد: رشد اخیر بازار، هرچند مثبت، نمی‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تغییر روند کلی تلقی شود. بازار سرمایه همچنان در انتظار اخبار سیاسی و بهبود روابط بین‌المللی ایران است. در صورت انتشار اخبار مثبت و بهبود شرایط سیاسی، می‌توان به رشدی پویا و رووند و رشد پایدار بازار امیدوار بود. در غیر این صورت، ابهامات کنونی همچنان بر بازار حاکم خواهد ماند.

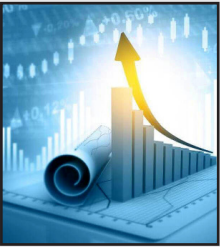
مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به این‌که بازار سرمایه نیازمند ورود صنایع جدیدی است، به‌ویژه صنایعی که مردم به‌طور روزمره از آنها استفاده می‌کنند؛ گفت: پیش از ورود این مدل شرکت‌ها به بازار سرمایه، برندهای بزرگی با سابقه ۵۰ تا ۶۰ساله وارد بورس شدند و در ارزش‌گذاری آنها نیز چالش‌های مشابه وجود داشت. با این حال، فعالان حوزه اکوسیستم اقتصاد دیجیتال حتی حاضرند ارزش پایین‌تری از آنچه مدنظرشان است بپذیرند تا بتوانند از فضای بازار سرمایه استفاده کنند. میثم کریمی، مدیرعامل شرکت مشاور سرمایه‌گذاری هوشمند آبان، با اشاره به پذیرش «مایکت» در بازار سهام، گفت: قطعاً این نگرانی وجود دارد که این بیگ‌دیتاهایی که جمع‌آوری می‌شوند، کجا و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند. این‌که یک شرکت استراتژی دات‌اُپلبانه بپذیرد نظارت نهادهی که هیچ منفعتی در عملکردش ندارد اعمال و وارد بازار سرمایه شود، قابل ستایش است. اما ای‌کنش این شرایط برای تمام شرکت‌ها فراهم باشد. کریمی ادامه داد: تمین مالی از بازار سرمایه ابزاری است که مخصوصاً در دو دهه اخیر رشد زیادی داشته و حتی در یک دهه اخیر روش‌ها و ابزارهای متنوعی معرفی شده است. عموماً فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال جوانانی هستند که ابزارهای جدید دنیا را دیده‌اند و وقتی وارد بازار سرمایه می‌شوند، با این ابزارها مواجه شده و علاقه‌مند به استفاده از آنها هستند.

دوراهی تالار شیشه‌ای؛ «ماشه» یا «توافق»

بالاترین میزان تولید و فروش سه‌ تا چهار سال اخیر را ثبت کردند. بنابراین، از نظر بنیادی بازار آماده رشد است و تنها نیاز دارد یکی از سناریوهای ذکرشده عملیاتی شود.»
بروز خوش‌شناس، تحلیلگر بازار سرمایه گفت: «بازار سرمایه به چند دلیل وضعیت مطلوبی ندارد و مهم‌ترین شاخص در این زمینه، رقم دلاری بازار است که اکنون به کمتر از ۹۰ میلیارد دلار رسیده و وضعیت فاجعه‌باری را نشان می‌دهد. دو عامل اصلی موجب این شرایط شده‌اند: نخست، ریزش بازار و دوم، رشد قیمت دلار که نتیجه آن وضعیت کنونی بازار است.» او با اشاره به اینکه تنها عاملی که در حال حاضر به نفع بازار سرمایه است، ارزش جایگزینی جذاب سهام است، گفت: «در شرایط فعلی، می‌توان این عامل را حتی به‌عنوان یک «شوخی تلخ» توصیف کرد. با این حال، این ارزش جایگزینی لزوماً به معنای رشد بازار نیست، زیرا دیگر عوامل فشار، از جمله افزایش ریسک‌های سیستماتیک، روند نزولی بازار را سرعت داده‌اند. حتی در صورت رخ ندادن جنگ ۱۲ روزه، بازار ممکن بود دچار افت شود و رشد آن ادامه نمی‌یافت.» حق‌شناس گفت: «در شرایط فعلی، فاصله دلار آزاد و توافقی به بیش از ۵۰ درصد رسیده و این موضوع رانت قابل‌توجهی ایجاد کرده که به زیان تولیدکنندگان و صادرکنندگان است. براساس آخرین اظهارات آقای فرزین، این نرخ‌ها ادامه خواهد داشت و دلار صادراتی نیز در محدوده ۷۰ هزار تومان حفظ می‌شود، اقدامی که انگیزه صادرکننده و مزیت صادراتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.» این تحلیلگر ادامه داد: «علاوه بر این، نرخ بهره همچنان بالاست و سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی ادامه خواهد یافت؛ در نیمه دوم سال نیز نرخ بهره احتمالاً افزایش پیدا خواهد کرد که به ضرر بازار سرمایه است. بنابراین، تنها عاملی که حال حاضر به نفع بازار است، ارزش جایگزینی است؛ اما اثرگذاری آن زمانی مشهود خواهد بود که ریسک‌های سیستماتیک کاهش یابند.»

وی افزود: «نشانه‌هایی از بهبود بازار در روزهای شنبه و یکشنبه دیده شد و در صندوق‌های اهرمی نیز خریدهایی مشاهده شد، اما این روند تداوم ندارد و حجم معاملات هنوز کافی نیست. برای بهبود بازار، نیاز به تقاضای موثر و کاهش ریسک‌های سیستماتیک داریم تا شرایط برای سرمایه‌گذاران جذاب‌تر شود.»
سخت‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، مسیری متفاوتی را برای گروه‌های مختلف کالاها رقم زد. در یک‌سو، سیاست پولی ایالات متحده و سخنرانی رئیس‌فدرالرزرو در همایش جکسون‌هول بار دیگر به نقطه کانونی توجه بازارها بدل شد و انتظارات از کاهش نرخ بهره در نشست سپتامبر را تقویت کرد. این موضوع زمینه‌ساز تضعیف ارزش دلار و رشد بهای طلا و برخی فلزات پایه شد. در سوی دیگر، ضعف مداوم تقاضا در اقتصاد چین و مزاد عرضه در بازار انرژی، قیمت نفت و گاز را تحت فشار قرار داد و تصویری متناقض از آینده بازارها ترسیم کرد. به نظر می‌رسد طی روزهای آینده تحولات در بخش فلزات گرانبها، روی سهام این گروه در بورس تهران اثر ویژه‌تری داشته باشد. با این حال، ضعف تقاضا در حوزه نفتی و فولادی، به دلیل وزن بالای آن در بازار سهام سبب خواهد شد تا به طور کلی بازار سرمایه از محل بازارهای جهانی منتفع نشود.

در بخش فلزات، شمش فولاد در سطح ۴۴۵ دلار در هر تن ثابت ماند و تغییر محسوسی نسبت به هفته قبل نداشت. این ثبات در شرایطی رقم خورد که فعالان بازار انتظار داشتند کاهش فعالیت‌های ساخت‌وساز در چین قیمت‌ها را بیش از پیش تضعیف کند، اما افزایش مقطعی خرید کارخانه‌های آسیایی مانع افت بیشتر شد. سنگ‌آهن نیز با رشد اندک ۰.۴ درصدی به ۱۰۲ دلار رسید؛ رشدی که بیش از آنکه نشان‌دهنده رونق واقعی تقاضا باشد، حاصل نیاز کوتاهمدت به شارژ موجودی در فولادسازی‌ها بود. در بازار آلومینیوم هم تغییر چندانی دیده نشد. هرچند به واسطه خبرهای اقتصادی هفته گذشته، باتری این فاز مهم نیز شارژ شد، اما این رشد قیمتی دوام نداشت. در میان فلزات پایه، مس ستاره این هفته بود. قیمت آن با رشد ۱.۵ درصدی به ۹۹۳ دلار رسید، روند صعودی مس بیش از هر چیز از چشم‌انداز مثبت تقاضا در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و پروژه‌های انتقال برق در اقتصادهای نوظهور نیرو می‌گیرد. به همین ترتیب روی نیز اندکی تقویت شد و در سطح ۲۸۲۶ دلار قرار گرفت که ناشی از تقاضای صنایع خودروسازی و گالوانیزه‌سازی بود. اما طلا درخششی متفاوت داشت. این فلز گرانبها تحت‌تاثیر کاهش ارزش دلار و افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های امن، با جهشی ۳.۳ درصدی به سطح ۲۵۵۰ دلار رسید. رشد طلا نشان می‌دهد که بازارها همچنان به سیاست‌های انبساطی احتمالی فدرال‌رزرو و افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی واکنش نشان می‌دهند. بازار انرژی اما چهره‌ای متفاوت داشت. نفت برنت در سطح ۶۷ دلار معامله شد که تنها رشد بسیار محدود ۰.۴ درصدی نسبت به هفته قبل را نشان می‌دهد. این ثبات نسبی در شرایطی رقم خورد که از یک‌سو کاهش ذخایر نفتی آمریکا و نگرانی‌های ژئوپولیتیک از قیمت‌ها حمایت می‌کرد و از سوی دیگر، بیم کاهش مصرف سوخت در ماه‌های پیش رو در آمریکا و اروپا مانع از جهش‌های قیمتی شد.



این روزها نمی‌توان مسیر آینده بورس را پیش‌بینی کرد؛ تحلیلگران این‌طور می‌گویند و معتقدند بازار سرمایه این روزها در شرایط پیچیده و پرابهامی قرار دارد. تالار شیشه‌ای این روزها در شرایطی قرار دارد که از یک‌سو ارزش جایگزینی سهام جذاب است و از سوی دیگر، ریسک‌های سیستماتیک و عوامل بیرونی فشار مضاعفی بر آن وارد می‌کنند. تحلیلگران معتقدند کاهش ارزش دلاری بازار به زیر ۹۰ میلیارد دلار و رشد قیمت دلار از جمله مهم‌ترین دلایلی است که روند کلی بازار را تحت تاثیر قرار داده است. درحالی‌که برخی سناریوها، از جمله فعال شدن مکانیسم ماشه با توافق میان ایران و غرب، می‌توانند جریان نقدینگی را به سمت بورس بازگردانند، احتمال رخداد هر سناریو با عدم قطعیت‌های جدی همراه است.

در کنار این عوامل، فاصله نرخ دلار آزاد و توافقی، رانت قابل توجهی ایجاد کرده که انگیزه تولیدکنندگان و صادرکنندگان را کاهش می‌دهد و سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و نرخ بهره بالا نیز شرایط را برای رشد پایدار بازار محدود کرده است. با این حال، گزارش‌های مالی اخیر شرکت‌ها نشان از عملکرد مطلوب و تولید و فروش مناسب، به‌ویژه در بخش فولاد دارد که پایه‌های بنیادی بازار را تقویت می‌کند. به اعتقاد کارشناسان، تنها با کاهش ریسک‌های سیستماتیک و بازگشت تقاضای موثر، می‌توان انتظار رشد مستمر بازار را داشت و در غیر این صورت، نوسانات مقطعی و محدود باقی خواهد ماند.

محمد خبری‌زاد، تحلیلگر بازار سرمایه اظهار کرد: «این روزها اگر بخواهیم بازار سرمایه را سناریو به سناریو پیش‌بینی کنیم، کار چندان ساده‌ای نیست. در گذشته راحت‌تر می‌شد وضعیت را با دوگانه‌هایی همچون «جنگ یا عدم جنگ» و «توافق یا عدم توافق» توضیح داد؛ اما اکنون می‌توان گفت بازار در مسیری سراسرنمایی قرار گرفته که صرفاً می‌توان احتمالاتی را برای آن مطرح کرد.» وی نخستین سناریو را چنین توضیح داد: «اگر فعال‌سازی مکانیسم ماشه طرف یک ماه آینده تکمیل شود - همان‌طور که پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد- این موضوع به کاهش فروش نفت، فشار بر منابع ارزی و در نتیجه افزایش نرخ دلار منجر خواهد شد. در این شرایط، احتمالاً بانک مرکزی و دولت مجبور می‌شوند نرخ حواله و توافقی را نیز بالا ببرند. به دنبال این روند، بورس هم رشدی

♥ دوگانه جدید بازارهای جهانی

بازارهای جهانی در آخرین هفته ماه اوت در حالی به کار خود پایان دادند که مجموعه‌ای از عوامل کلان اقتصادی و تحولات بخشی، مسیر متفاوتی را برای گروه‌های مختلف کالاها رقم زد. در یک‌سو، سیاست پولی ایالات متحده و سخنرانی رئیس‌فدرال‌رزرو در همایش جکسون‌هول بار دیگر به نقطه کانونی توجه بازارها بدل شد و انتظارات از کاهش نرخ بهره در نشست سپتامبر را تقویت کرد. این موضوع زمینه‌ساز تضعیف ارزش دلار و رشد بهای طلا و برخی فلزات پایه شد. در سوی دیگر، ضعف مداوم تقاضا در اقتصاد چین و مزاد عرضه در بازار انرژی، قیمت نفت و گاز را تحت فشار قرار داد و تصویری متناقض از آینده بازارها ترسیم کرد. به نظر می‌رسد طی روزهای آینده تحولات در بخش فلزات گرانبها، روی سهام این گروه در بورس تهران اثر ویژه‌تری داشته باشد. با این حال، ضعف تقاضا در حوزه نفتی و فولادی، به دلیل وزن بالای آن در بازار سهام سبب خواهد شد تا به طور کلی بازار سرمایه از محل بازارهای جهانی منتفع نشود.

رکود فولاد: رونق گرانبها

در بخش فلزات، شمش فولاد در سطح ۴۴۵ دلار در هر تن ثابت ماند و تغییر محسوسی نسبت به هفته قبل نداشت. این ثبات در شرایطی رقم خورد که فعالان بازار انتظار داشتند کاهش فعالیت‌های ساخت‌وساز در چین قیمت‌ها را بیش از پیش تضعیف کند، اما افزایش مقطعی خرید کارخانه‌های آسیایی مانع افت بیشتر شد. سنگ‌آهن نیز با رشد اندک ۰.۴ درصدی به ۱۰۲ دلار رسید؛ رشدی که بیش از آنکه نشان‌دهنده رونق واقعی تقاضا باشد، حاصل نیاز کوتاهمدت به شارژ موجودی در فولادسازی‌ها بود. در بازار آلومینیوم هم تغییر چندانی دیده نشد. هرچند به واسطه خبرهای اقتصادی هفته گذشته، باتری این فاز مهم نیز شارژ شد، اما این رشد قیمتی دوام نداشت.

در میان فلزات پایه، مس ستاره این هفته بود. قیمت آن با رشد ۱.۵ درصدی به ۹۹۳ دلار رسید، روند صعودی مس بیش از هر چیز از چشم‌انداز مثبت تقاضا در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و پروژه‌های انتقال برق در اقتصادهای نوظهور نیرو می‌گیرد. به همین ترتیب روی نیز اندکی تقویت شد و در سطح ۲۸۲۶ دلار قرار گرفت که ناشی از تقاضای صنایع خودروسازی و گالوانیزه‌سازی بود. اما طلا درخششی متفاوت داشت. این فلز گرانبها تحت‌تاثیر کاهش ارزش دلار و افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به دارایی‌های امن، با جهشی ۳.۳ درصدی به سطح ۲۵۵۰ دلار رسید. رشد طلا نشان می‌دهد که بازارها همچنان به سیاست‌های انبساطی احتمالی فدرال‌رزرو و افزایش نااطمینانی در اقتصاد جهانی واکنش نشان می‌دهند. بازار انرژی اما چهره‌ای متفاوت داشت. نفت برنت در سطح ۶۷ دلار معامله شد که تنها رشد بسیار محدود ۰.۴ درصدی نسبت به هفته قبل را نشان می‌دهد. این ثبات نسبی در شرایطی رقم خورد که از یک‌سو کاهش ذخایر نفتی آمریکا و نگرانی‌های ژئوپولیتیک از قیمت‌ها حمایت می‌کرد و از سوی دیگر، بیم کاهش مصرف سوخت در ماه‌های پیش رو در آمریکا و اروپا مانع از جهش‌های قیمتی شد.

♥ افزایش سهم قشم از خدمات دریایی خلیج فارس

صنعت بانکرینگ به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی در تجارت جهانی انرژی، سالانه گردش مالی چشم‌گیری دارد. با توجه به موقعیت استراتژیک خلیج‌فارس و عبور سالانه بیش از ۵۰ هزار کشتی از این منطقه، ایران برنامه‌ریزی جدی برای افزایش سهم خود از این بازار را آغاز کرده است.

جزیره‌قشم با مزیت‌های منحصربه‌فرد جغرافیایی و زیرساختی، به‌عنوان هاب رسمی بانکرینگ کشور معرفی شده و هدف آن دستیابی به ۵۰ درصد سهم بازار در خلیج فارس است.

مدیر نفت و انرژی سازمان منطقه آزاد قشم با اشاره به گردش مالی ۲۰۰میلیارد دلاری صنعت بانکرینگ در جهان و سهم ۲۰میلیارد دلاری خلیج‌فارس، از برنامه‌های بلندپروازانه ایران برای افزایش حضور در این بازار خبر داد. جعفر خلیقی گفت: اکنون بیش از ۸۵ درصد بازار بانکرینگ خلیج‌فارس در اختیار بندر فیخیره امارات است، اما قشم با فاصله تنها ۵ مایلی از کریدور اصلی کشتیرانی، موقعیت‌بهتری برای جذب این بازار دارد و ی با تشبیه این صنعت به مجتمع‌های خدمات بین‌راهی برای کشتیرانی بین‌المللی گفت: بانکرینگ، مجموعه‌ای از خدمات از جمله سوخت‌رسانی، تأمین آب و خدمات فنی به کشتی‌هایی است که ماهادر مسیرهای بین‌المللی تردد می‌کنند. جزیره قشم با فاصله تنها پنج مایل از کریدور عبور بیش از ۵۰ هزار کشتی در سال، از مزیت جغرافیایی بی‌ظثیری برخوردار است. مدیر نفت و انرژی سازمان منطقه آزاد قشم تأکید کرد: درحالی‌که بندر فیخیره بیش از ۵۰ مایل از این مسیر فاصله دارد، قشم با تنها ۵ مایل فاصله، ظرفیت بالایی برای جذب این بازار دارد.

اگر زیرساخت‌های مورد نیاز، به‌ویژه در حوزه تولید سوخت کم‌سولفور (Low Sulfur) فراهم شود، قشم می‌تواند سهم ایران را به ۵۰ درصد ظرفیت بانکرینگ خلیج‌فارس ارتقا دهد. خلیقی با اشاره به طرح توسعه پالایشگاهی قشم تصریح کرد: در ۲سال آینده، جزیره قشم به ظرفیت تولید ۵۰۰ هزار تن سوخت کم‌سولفور مخصوص کشتی خواهد رسید. تحقق این هدف می‌تواند هم‌راهی با یکی از بازیگران اصلی صنعت بانکرینگ در منطقه تبدیل کند و درآمدی بین ۳ تا ۴میلیارد دلار در مرحله نخست برای کشور به همراه داشته باشد.وی خاطرنشان کرد: برای تحقق این هدف راهبردی، نیازمند هم‌سازی و هم‌افزایی میان وزارت نفت، مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حاکمیتی با سازمان منطقه آزاد قشم هستیم.

تمام ظرفیت‌های لازم از جمله عمق مناسب آبخور، موقعیت جغرافیایی ممتاز و زیرساخت‌های فنی در قشم مهیا است. جزیره قشم با بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی‌های کلان، ظرفیت تبدیل شدن به‌هاب بانکرینگ خلیج فارس را دارد. در صورت تحقق اهداف تعیین‌شده، نه تنها سهم ایران از بازار ۲۰میلیارد دلاری بانکرینگ منطقه افزایش می‌یابد، بلکه از آمدهای ارزی قابل‌توجهی نیز برای کشور به ارمغان خواهد آمد. این طرح می‌تواند نقطه عطفی در توسعه اقتصادی و تجاری ایران در منطقه باشد.

.....

♥ ۳ هزار روستابازار برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی ایجاد می‌شود

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی از برنامه‌ریزی برای توسعه ۳ هزار روستابازار و عرضه مستقیم کالاهای اساسی در کشور تا پایان دولت خبر داد.

محمدرضا طلائی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران اظهار کرد: ساختار تعاون روستایی بیش از ۶۰ سال سابقه دارد و نقش آن تصدی‌گری نیست بلکه نظارت و سیاست‌گذاری بر تشکل‌هایی است که توسط خود کشاورزان و تولیدکنندگان ایجاد شده‌اند.

وی افزود: بر اساس مصوبه مجلس در برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است تا پایان این برنامه سهم تشکل‌های بخش کشاورزی را به ۲۰ درصد بازار برساند تا واسطه‌های غیر ضروری حذف و هزینه‌های مصرف‌کننده کاهش یابد.

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی تصریح کرد: هدف این است که مسیر تولید از مزرعه تا سفره کوتاه شود و تشکل‌هایی که از دل روستا شکل گرفته‌اند این نقش را ایفا کنند. وزیر جهاد کشاورزی نیز سیاست‌هایی را از ابتدای مسئولیت خود برای کاهش این فاصله در پیش گرفته و به تازگی به تشکل‌های زیرمجموعه سازمان تکلیف کرده که برای خرید، ذخیره‌سازی و توزیع برنج وارد عمل شوند.

طلائی با اشاره به اینکه کشاورزان تولیدکننده هستند اما تجربه کافی در فروش محصولات ندارند، گفت: روستا بازارها و فروشگاه‌های تعاون روستایی به‌دلیل اعتمادی که کشاورزان به آنها دارند می‌توانند محصولات را مستقیماً عرضه کنند. محل‌های عرضه سلامت با واسطه‌ها کار کرده‌اند و تغییر آنها دشوار است اما با استفاده از ظرفیت تشکل‌ها و ایجاد روستا بازارها این مشکل حل خواهد شد. وی با بیان اینکه تاکنون ۶۴ روستا بازار در کشور به بهره‌برداری رسیده است، اظهار کرد: هدف افزایش بی‌رویه تعداد این بازارها نیست بلکه رساندن کالا در نزدیک‌ترین نقطه به مصرف‌کننده اهمیت دارد. در هفته جهاد کشاورزی امسال ۶۴ روستا بازار از غرفه‌های کوچک تا بازارهای ۲۰ تا ۲۲ غرفه‌ای افتتاح شد. مدیریت این بازارها بر عهده اتحادیه‌های کشاورزی است.



صدای کیشوندان شنیده شد

✎ بیتا حسن پور – مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش گفت: دولت چهاردهم نشان داده است که در برابر وعده‌های خود مسوولانه عمل می‌کند و این حضور نشانه‌ای از اراده دولت برای پیش مستمر روند اجرای تعهدات و پیگیری عملیاتی شدن آنها است.

محمد کبیری در نشست با فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت چهاردهم و فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران جزیره کیش با ارائه گزارشی جامع از اقدامات انجام‌شده در حوزه زیرساخت‌ها، سلامت، آموزش و سرمایه‌گذاری، بر ضرورت بازگشت بخشی از مالیات پرداخت‌شده توسط فعالان اقتصادی به خدمات عمومی جزیره تأکید کرد و گفت: این مطالبه، اخلاقی، دینی و قانونی است. وی افزود: اگرچه دشواری‌های دیرینه ساختارهای اداری روند تغییرات را کند می‌کند اما وقایع و ممدلی در سطوح مختلف مدیریتی دولت می‌تواند به رفع موانع موجود در مسیر توسعه مناطق آزاد کمک کند. کبیری با تأکید بر نقش فعالان اقتصادی در ثبات و پایداری سرمایه‌گذاری در کیش گفت: بسیاری از سرمایه‌گذاران حاضر در این جزیره در مقاطع زمانی مختلف در کشور مانده‌اند و دارایی خود را در دل این خاک نهاده‌اند. این افراد نه تنها سرمایه‌گذار بلکه وطن‌دوست و ایران‌دوست هستند و این امر مسوولیت سازمان منطقه آزاد کیش را در خدمت به آنان دوچندان می‌کند.

وی با اشاره به مطالبات مطرح شده در این نشست و شفافیت خواسته‌های بخش خصوصی خاطرنشان کرد: در این جلسه هیچ مطالبه‌ای خارج از چارچوب



معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهوری از فاز اجرایی «هوش مصنوعی رئیس‌جمهور» خبر داد و پیش‌بینی کرد تا پایان سال آماده استفاده می‌شود. قرار است هوش مصنوعی به‌عنوان «دستیار» به پزشک‌یان و کابینه‌اش در زمینه‌هایی مانند تغییر قیمت‌ها، تعرفه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کمک کند.

به گفته معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور «هوش مصنوعی رئیس‌جمهور» به مرحله اجرایی رسیده و تا پایان سال آماده استفاده خواهد بود. این خبر در حالی مطرح شده است که هوش مصنوعی در کشور نه تنها قانون و منولی واحدی ندارد؛ بلکه روند توسعه آن هم با ناهمسامانی همراه است. حسین افشین، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور در سال گذشته از تدوین دستیار هوش مصنوعی برای رئیس‌جمهور در آینده‌ای نزدیک خبر داده بود. به گفته او این فناوری به‌عنوان یک دستیار هوشمند کنار رئیس‌جمهور قرار خواهد گرفت و برای هر وزیر و معاونان رئیس‌جمهور نیز یک دستیار هوش مصنوعی خواهیم داشت. از آن زمان تاکنون خبری درباره این دستیار منتشر نشده بود تا اینکه در هفته گذشته معاون رئیس‌جمهور خبر داد که طرح «هوش مصنوعی رئیس‌جمهور» وارد مرحله اجرا شده است و اولین نتیجه عملیاتی آن تا پایان امسال آماده استفاده خواهد بود.

ایهامات دستیار هوشمند

افشین هدف را رانندازی این سامانه را کمک به تصمیم‌گیری سریع‌تر و آسان‌تر برای رئیس‌جمهور و وزرا در موضوعاتی مانند تغییر قیمت‌ها، تعرفه‌ها و سیاست‌های اقتصادی اعلام کرد. پیش از این هم معاونت فناوری رئیس‌جمهور از نسخه آزمایشی سکوی ملی هوش مصنوعی در زمستان سال گذشته رونمایی کرد.

بر اساس آنچه درباره این سکو منتشر شده، قرار است که به‌عنوان زیرساخت اولیه و مورد نیاز برای تحلیل داده‌ها در جهت توسعه هوش مصنوعی با کاربردهای مختلف، بر اساس ضرورت‌ها و برنامه‌های راهبردی کشور عمل کند. این در حالی است که کشور از نظر زیرساخت‌های فنی و تکنولوژیک این فناوری ضعیف‌های قابل‌توجهی دارد. همچنین، ابهام و آشفتگی در قانون‌گذاری و نهاد منولی توسعه این فناوری در کشور صدای انتقاد کارشناسان و فعالان بخش خصوصی را بلند کرده است؛ تا جایی که آنها روند فعلی رشد هوش مصنوعی را در کشور معیوب و موجب تضعیف پیشرفت توصیف می‌کنند و معتقدند که کشورمان در حوزه هوش مصنوعی کم‌کم در حال تبدیل به یک کشور مصرف‌کننده است.

برخی کارشناس‌ها و فعالان نسبت به اجرای دستیار هوش مصنوعی انتقاد دارند و به اعتقاد

سندروم «روان‌پریشی چت‌جی‌بی‌تی»

چت‌بات‌های هوش مصنوعی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. امروزه مردم از ابزارهایی مانند چت‌جی‌بی‌تی، جیمینی و کوپایلت نه فقط برای نگارش ایمیل و انجام امور کاری یا کدنویسی، بلکه برای دریافت مشاوره در روابط شخصی، حمایت عاطفی و حتی برقراری دوستی یا تجربه عشق بهره می‌برند.

اما برای اقلیتی از کاربران، این گفت‌وگوها ظاهراً اثرات نگران‌کننده‌ای به همراه داشته است. گزارش‌های زیادی نشان می‌دهد که استفاده طولانی‌مدت از چت‌بات‌ها ممکن است در برخی افراد علائم روان‌پریشی را برانگیزد یا تشدید کند.

پیامدهای آن می‌تواند ویرانگر و حتی مرگ‌بار باشد. برخی کاربران فروپاشی روانی خود را به از دست دادن شغل، فروپاشی روابط، بستری اجباری در مراکز روان‌پزشکی و حتی بازداشت و زندان نسبت داده‌اند. حداقل یک گروه حمایتی نیز برای افرادی شکل گرفته که می‌گویند پس از تعامل با هوش مصنوعی زندگی‌شان رو به سقوط رفته است.

به نوشته مجله تایم، این پدیده که گاه به‌طور عامیانه «روان‌پریشی چت‌جی‌بی‌تی» یا «روان‌پریشی هوش مصنوعی» نامیده می‌شود هنوز به‌درستی شناخته نشده است و هیچ تشخیص رسمی برای آن وجود ندارد؛ داده‌انداز هستند و پروتکل درمانی مشخصی هم تعریف نشده است. روان‌پزشکان و پژوهشگران می‌گویند در حال حاضر عملاً در تارکی حرکت می‌کنند و جامعه پزشکی به سختی تلاش می‌کند خود را با این وضعیت وفق دهد.

روان‌پریشی چت‌جی‌بی‌تی چیست؟

این اصطلاحات رسمی نیستند، اما به‌عنوان عباراتی کوتاه برای اشاره به یک الگوی نگران‌کننده رواج یافته‌اند؛ وضعیتی که در آن افراد دچار توهمات یا باورهای تحریف‌شده‌ای می‌شوند که به نظر می‌رسد توسط گفت‌وگو با سامانه‌های هوش مصنوعی ایجاد یا تقویت شده‌اند. جیمز مک‌کیب، استاد دپارتمان مطالعات اندک هستند و پروتکل درمانی مشخصی هم تعریف نشده است. روان‌پزشکان و پژوهشگران می‌گویند در حال حاضر عملاً در تارکی حرکت می‌کنند و جامعه پزشکی به سختی تلاش می‌کند خود را با این وضعیت وفق دهد.

روان‌پزشکان می‌گویند این پدیده بیشتر بازتاب آسیب‌پذیری‌های شناخته‌شده در بستری

جدید است، نه یک اختلال تازه. این موضوع ارتباط نزدیکی با شیوه تعامل چت‌بات‌ها دارد؛ زیرا این سامانه‌ها زبان کاربران را بازتاب می‌دهند و پیش‌فرض‌های آنها را تایید می‌کنند. این «چاپلوسی» یکی از مشکلات شناخته‌شده در صنعت است. درحالی‌که بسیاری از مردم آن را صرفاً ازآزادنده می‌دانند، کارشناسان هشدار می‌دهند که همین ویژگی می‌تواند در افراد آسیب‌پذیر، تفکر تحریف‌شده را تقویت کند.

چه کسانی بیشتر در معرض خطر هستند؟

اگرچه بیشتر مردم می‌توانند بدون مشکل از چت‌بات‌ها استفاده کنند، اما کارشناسان می‌گویند گروه کوچکی از کاربران پس از استفاده طولانی‌مدت ممکن است به‌ویژه در برابر

شکل‌گیری تفکر هذیانی آسیب‌پذیر باشند. برخی گزارش‌های رسانه‌ای درباره «روان‌پریشی هوش مصنوعی» حاکی از آن است که این افراد هیچ تشخیص قبلی اختلال روانی نداشته‌اند، اما پزشکان هشدار می‌دهند که ممکن است عوامل خطر پنهان یا نهفته همچنان در آنها وجود داشته باشد. جان توروس، روان‌پزشک مرکز پزشکی بت ایازرلالت دیکلس می‌گوید: «ما

ممکن است افراد ندانند که چنین خطری در آنها وجود دارد».

واضح‌ترین عوامل خطر شامل سابقه شخصی یا خانوادگی ابتلا به روان‌پریشی و نیز شرایطی مانند اسکیزوفرنی یا اختلال دوقطبی است. راگی گیرگس، استاد روان‌پزشکی بالینی در دانشگاه کلیمیا، می‌گوید افرادی که ویژگی‌های شخصیتی آنها را مستعد باورهای حاشیه‌ای می‌کند نیز ممکن است در معرض خطر باشند. به گفته او این افراد ممکن است از نظر اجتماعی ناسازگار و کم‌مهارت باشند، در تنظیم هیجان مشکل داشته باشند و زندگی ذهنی و تخیلی بیش‌فعالی را تجربه کنند.

شدت غرق‌شدن در این تعاملات هم اهمیت دارد. نینا واسان، روان‌پزشک دانشگاه استنفورد و متخصص سلامت روان دیجیتال، می‌گوید: «زمان به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل باشد. این مربوط به افرادی است که هر روز ساعت‌ها با چت‌بات‌هایشان صحبت می‌کنند».

چگونه می‌توان از خود محافظت کرد؟

چت‌بات‌ها ذاتاً خطرناک نیستند، اما برای برخی افراد لازم است با احتیاط از آنها استفاده کنند.هامیلتون مورین، نورواسایکیاتریست در کینگز کالج لندن، در این باره می‌گوید:«ابتدا مهم

است که بدانیم آیا این چت‌بات‌ها می‌تواند به ما کمک کند یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

او همچنین می‌گوید: «اگرچه این چت‌بات‌ها می‌توانند به ما کمک کنند، اما باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، باید بدانیم که آیا می‌توانیم به آن اعتماد کنیم یا نه».

</

روزنامه اقتصاد

شماره ۱۱۱ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۷۵۰
www.marzeghtesad.ir

❖ تدابیر جدید فروش نفت با اسنپ‌یک

وزیر نفت با اعلام اینکه تخصص لازم برای دور زدن محدودیت‌ها در مجموعه صنعت نفت وجود دارد، گفت: به‌طور متوسط ظرفیت تولید نفت خام کشور در طول یک سال گذشته ۱۲۷هزار بشکه در روز افزایش یافته است. به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در پاسخ به پرسشی درباره احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و تاثیر آن بر فروش نفت ایران اظهار کرد: ما سال‌ها با محدودیت‌های فروش نفت مواجه بودیم.

این موضوع سبب‌شده که تخصص لازم برای دور زدن این محدودیت‌ها را در مجموعه صنعت نفت داشته باشیم. تیم صنعت نفت در شرایط تحریم می‌تواند راه و روش فروش نفت را در محدودیت‌های مختلف برنامه‌ریزی کند. وی با بیان اینکه طبیعتاً اسنپ‌یک هم می‌تواند تا حدودی شرایط را به سمتی برود که نیازمند اتخاذ تدابیر جدید است، تاکید کرد: در مقابل این محدودیت‌ها دست و پا بسته نیستیم و تمام تلاشمان را خواهیم کرد.

وزیر نفت درباره وضع تولید نفت تصریح کرد: از این رقم بهره‌ری می‌کنم، اما به‌طور متوسط ظرفیت تولید نفت خام کشور در طول یک سال گذشته ۱۲۷ هزار بشکه در روز افزایش یافته است. پاک‌نژاد درباره اهداف کمی تولید نفت تا پایان دولت چهاردهم گفت: براساس اهداف کمی که در برنامه هفتم توسعه تعریف و تبیین شده، باید به حدود ۴میلیون و ۵۸۰ هزار بشکه در روز تولید برسیم که معادل ۴میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت تولید است که برنامه‌ریزی‌های انجام‌دهد و سرمایه‌گذاری‌هایی که می‌شود همه در مسیری است که بتوانیم به این هدف برسیم. وی با بیان اینکه تعدادی از طرح‌های پتروشیمی آماده افتتاح است، بیان کرد: من قول هر ماه یک افتتاح طرح پتروشیمی را داده بودم، غیر از یک ماهی که به‌دلیل شرایط پیش‌آمده برای کشور وقفه افتاد، بعد از این شاهد افتتاح‌های جدید در حوزه پتروشیمی خواهیم‌بود که ظرفیت تولید پتروشیمی کشور افزایش می‌یابد. وزیر نفت با اعلام اینکه تأسیسات فراورش مرکزی میدان آزادگان از جمله اقدام‌هایی است که برای افزایش ظرفیت تولید نفت خام آماده بهره‌برداری است، گفت: با بهره‌برداری از این تأسیسات تا حدود ۸۰ هزار بشکه در روز به ظرفیت تولید نفت خام کشور اضافه می‌شود. برنامه‌ریزی برای زمان مناسب بهره‌برداری با حضور رئیس‌جمهوری انجام می‌شود.

..... ❖

❖ منشأ اصلی ناتاری بزین

دبیرکل انجمن صنفی کارفرمای صنعت پالایش نفت کشور با تاکید بر نقش راهبردی پالایشگاه‌ها در امنیت انرژی گفت: مصرف بی‌رویه، قاچاق سوخت و ضعف صنعت خودروسازی، منشأ اصلی ناتاری بزین در کشور است.

به گزارش شانا، ناصر عاشوری با اشاره به اهمیت صنعت پالایش در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور تصریح کرد: این صنعت باید حفظ و تقویت شود تا بتواند روی پای خود بایستد.

در جنگ ۱۲ روزه، کارکنان شرکت‌های پالایشگاهی نهایت فداکاری را نشان دادند و با توجه به وجود شرایط بحرانی، نه‌تنها تولید کاهش نیافت، بلکه شاهد افزایش قابل‌توجه تولید بنزین و نفت‌گاز در کشور بودیم.دبیرکل انجمن صنفی کارفرمای صنعت پالایش نفت کشور با تاکید بر نقش راهبردی این صنعت در امنیت انرژی کشور گفت: با وجود چالش‌های اقتصادی و عمر بالای تأسیسات، صنعت پالایش با تکیه بر نیروی انسانی متخصص به مرز خودکفایی در تولید فرآورده‌های نفتی رسیده و حتی در شرایط بحرانی نیز روند تولید افزایش یوده است. عاشوری با مقایسه صنعت پالایش ایران با نمونه‌های جهانی افزود: در دنیا برای تعمیرات و عملیات ایمنی از روبات‌ها استفاده می‌شود، اما ما ناچاریم این کارها را با نیروی انسانی انجام دهیم که خطرات را چند برابر می‌کند، به‌گونه‌ای که در تعمیرات اساسی، گاهی ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر به‌کار گرفته می‌شوند تا کارهایی که ۲۰ روز طول می‌کشند، در زمان کوتاه‌تری انجام شود. وی با بیان اینکه تولید فرآورده‌های نفتی در کشور پایدار است .

سال اخیر تولید رواتنه بنزین بیش از ۲ بار شده است که این روند صعودی حاصل تلاش نیروی انسانی متخصص است.

..... ❖

❖ اطلس تجاری در خدمت رف ناتاری

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند گفت: ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاری درست بر روی میکرواکتورهای هسته‌ای و نیروگاه‌های برق خورشیدی، در مسیر رف ناتاری گام بردارد. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با بیان اینکه ایران می‌تواند با سرمایه‌گذاری درست بر روی میکرواکتورهای هسته‌ای و نیروگاه‌های برق خورشیدی، در مسیر رف ناتاری گام بردارد، گفت: این مسیر را می‌توان به اتکا به اطلس تجاری ترسیم کرد.بدون اطلس تجاری ممکن است اقدامات صورت گرفته به بیراهه برود.

سیدحسین مدنی درباره وضعیت ناتاری برق در کشور گفت: طبق آخرین آمار موجود، برق ظرفیت تولید برق کشور به ۹۳ هزار مگاوات می‌رسد اما این میزان تولید، کفاف میزان مصرف یخش‌های مختلف را نمی‌هد و همین ناهمخوانی، کشور را تا کسری حدوداً ۲۴ هزار مگاواتی در اوج تابستان با کمبود برق مواجه کرده است.مدنی در ادامه گفت: ناتاری انرژی موضوعی نیست که فقط مختص کشور ما باشد. کشورهای متعددی در دنیا بوده‌اند که چنین وضعیتی را تجربه کرده‌اند و برای رفع آن اقداماتی انجام داده‌اند که نتایج مثبت و منفی این اقدامات می‌تواند برای ما آموزنده باشد.

..... ❖

ایالات متحده و روسیه دو قطب اصلی تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز جهان هستند، اما نحوه استفاده آنها از این منابع تفاوت بنیادی دارد. آمریکا با تولید بی‌سابقه حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز، عملاً به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان بدل شده است. این تولید بالا نه‌تنها امنیت انرژی داخلی را تضمین کرده بلکه به ابزاری برای اعمال فشار بر بازارهای جهانی و متحدان آمریکا عمل می‌کند.

از یک‌سو صادرات LNG (گاز طبیعی مایع) آمریکا در حال افزایش است و از سوی دیگر، توانایی واشنگتن در تحریم‌ها و تعرفه‌ها نقش انرژی را در سیاست خارجی پررنگ‌تر کرده است. در سوی مقابل، روسیه که بخش بزرگی از درآمد دولت خود را از صادرات انرژی به‌دست می‌آورد، ناچار شده پس از جنگ اوکراین مسیرها و روش های تازه‌ای برای فروش نفت و گاز پیدا کند. چین و هند دو مقصد اصلی هستند، اما حملات پهنپادی و فشارهای نظامی-اقتصادی باعث شده جریان صادرات روسیه بی‌ثبات‌تر از گذشته شود. کاهش صادرات هفتگی این کشور به پایین‌ترین سطح یک ماهه نشان می‌دهد که «امنیت عرضه روسیه» دیگر قابل اتکا نیست. این رقابت، بازار نفت را از یک بازار صرفاً اقتصادی به میدان نبرد ژئوپلیتیک تبدیل کرده؛ جایی که هر بشکه نفت معادل یک ابزار فشار سیاسی و هر قرارداد انرژی بخشی از معادله قدرت جهانی است.

اقتصاد جهانی در تعلیق

عامل سوم که نباید از نظر دور داشت، وضعیت کلی اقتصاد جهانی است. کاهش رشد در چین، تهدید رکود در اروپا و انتظار برای گزارش‌های بازار کار در آمریکا، نفت را به آیینهای برای بازتاب سلامت اقتصاد جهانی تبدیل کرده است. سرمایه‌گذاران اکنون بیش از هر زمان دیگری به داده‌های اقتصادی غیرانرژی (مانند نرخ بیکاری یا شاخص تولید کارخانه‌ای) به‌عنوان محرک اصلی قیمت نفت نگاه می‌کنند. این پیوند نزدیک میان نفت و داده‌های کلان اقتصادی، نشان‌دهنده تغییر نقش نفت از یک کالا به یک شاخص اقتصاد سیاسی است.

سناریوهای ایران

برای ایران، این شرایط جهانی هم تهدیدهایی آشکار دارد و هم فرصت‌هایی تاریخی.

۱. سناریوی کوتاه‌مدت: ایران در کوتاه‌مدت با فشار ناشی از تحریم‌ها، محدودیت‌های بانکی و ضعف زیرساخت‌های صادراتی روبه‌روست. در حالی که روسیه با وجود تحریم‌ها همچنان توانسته مسیرهای تازه‌ای برای صادرات بپاید، ایران هنوز در بسیاری از بازارهای کلیدی غایب است. ورود دوباره به بازار هند یا تقویت صادرات گاز به ترکیه و عراق می‌تواند بخشی از این فشار را کاهش دهد. اما بدون راه‌حل دیپلماتیک برای تحریم‌ها، این سناریو تنها بخشی از پتانسیل ایران را آزاد خواهد کرد.

۲. سناریوی میان‌مدت: با تداوم بی‌ثباتی در عرضه روسیه و تغییر اولویت‌ها در چین، این فرصت برای ایران وجود دارد تا با سرمایه‌گذاری در بخش گاز طبیعی و انرژی‌های نو جایگاه تازه‌ای در بازار منطقه‌ای به دست آورد. گاز ایران می‌تواند به‌عنوان گزینه‌ای مطمئن برای همسایگان و حتی بازارهای آسیایی مطرح شود، البته اگر زیرساخت‌های صادرات LNG توسعه یابد.

۳. سناریوی بلندمدت: آینده بازار انرژی به‌سوی تنوع‌بخشی و کاهش وابستگی به نفت خام حرکت می‌کند. انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری‌های ذخیره‌سازی و تحولات خودروهای برقی، تقاضای نفت را در دو دهه آینده محدودتر خواهد کرد. اگر ایران همچنان بر فروش نفت با اعمال سیاست های قیمتی و مصرف داخلی غیرمنطقی متمرکز بماند، در آینده‌ای نه‌چندان دور با بحرانی ساختاری روبه‌رو می‌شود. اما اگر امروز مسیر سرمایه‌گذاری در گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر و دیپلماسی انرژی فعال را انتخاب کند، می‌تواند از «حاشیه‌نشینی» خارج شده و به بازیگری موثر در بازار آینده انرژی تبدیل شود. بازار نفت امروز دیگر تنها درباره رقابت دلار و تقاضا نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که ژئوپلیتیک، رقابت قدرت‌ها و تغییر ساختار اقتصادی جهان در آن نقش‌آفرینی می‌کنند.

هند و چین با مسیرهای متفاوت خود، آمریکا و روسیه با رقابت بر سر انرژی، و سرمایه‌گذاران جهانی با نگاه به داده‌های اقتصاد کلان، همگی نفت را به آیینهای از تحولات قرن بیست‌ویکم بدل کرده‌اند. برای ایران، مهم‌ترین پرسشی این نیست که قیمت نفت فردا چند دلار خواهد بود؛ بلکه این است که آیا می‌خواهد همچنان در حاشیه بازی بماند یا با بازتعریف استراتژی‌های انرژی، به بخشی از متن تحولات جهانی بدل شود. در جهانی که نفت تنها یک کالای اقتصادی نیست، بلکه به ابزار دیپلماسی، سلاح فشار و ضامن امنیت انرژی کشورها بدل شده، بی‌عملی به معنای عقب‌نشینی است.

هند امروز با خرید مسترده نفت ازان روسیه و مذاکره هم‌زمان با آمریکا، جایگاهی تازه برای خود ساخته است؛ چین با تکیه بر ذخایر عظیم و قراردادهای بلندمدت، امنیت انرژی‌اش را بیمه کرده و آمریکا با استفاده از نفت شیل، هم واردکننده و هم صادرکننده‌ای تعیین‌کننده شده است. اگر ایران نتواند مسیر خود را در این معادله پیچیده پیدا کند، خطر آن است که بار دیگر در بزرگراه تاریخی، فرصت‌ها از دست بروند و نقش کشور به جای «بازارِ فعال»، به «تماشاگرِ منفعل» تقلیل یابد.

..... ❖

وزیر نفت از تدابیر بسیار خوب وزارت نفت برای تامین سوخت زمستانی خبر داد و گفت: سطح ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسل بیشتر است. به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در گفت‌وگویی با بیان اینکه بخش عمده گاز طبیعی در زمستان در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء مصرف می‌شود، تاکید کرد: سوخت مورد نیاز نیروگاها با سوخت مایع جبران شود.

وی با اشاره به تدابیر بسیار خوبی که در وزارت نفت اندیشیده شده است، تصریح کرد: ذخایر سوخت مایع نیروگاهی تا ۲۵ مرداد امسال حدوداً ۶۰ درصد نسبت به پارسل بیشتر است. زمستان گذشته کمبود ذخیره سوخت مایع در نیروگاه‌ها نگرانی‌های زیادی در خصوص پایداری شبکه‌های انرژی کشور به وجود آورد. گفته می‌شد که این شرایط به دلیل مصرف بیش از حد سوخت مایع در تابستان شکل گرفته بود. نیروگاه‌هایی که امکان مصرف سوخت مایع دارند در تابستان سال گذشته سوخت عمدتاً گازوئیل خود را مصرف کرده بودند و در زمستان با مشکل مواجه شدند. این موضوع به عواملی چون کاهش عرضه گاز در فصول گرم و افت تحویل سوخت مایع به آنها مرتبط داده می‌شود.

هوشمندسازی در جاده پر دست‌انداز



گرفته توسط شرکت‌های بزرگ مقیاس بی‌اثر خواهد شد.

اسراری معتقد است، اجرای بخشنامه فعلی با مشکل مواجه خواهد شد، زیرا شرکت‌های بزرگ مقیاس تعهدهای کلان حمل باری دارند. به عنوان مثال شرکتي وجود دارد که در حمل کالاهای اساسی در بندر امام خمینی(ره) فعالیت دارد و باید روزانه چهار هزار تن کالا حمل کند؛ اما این تعداد مشخص شده صدور نمی‌تواند، پاسخگوی نیاز حمل آنها باشد و تعهداتش زیر سوال خواهد رفت. با این اقدام شرکت‌های بزرگ مقیاس از کارکرد واقعی خودشان فاصله می‌گیرند.

وی در ادامه گفت: متأسفانه سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای به این ظرفیت، توجه مناسبی نداشته است؛ در صورتی که امکان استفاده از ظرفیت آنها در موقعیت‌های حساس در عرصه حمل‌ونقل کشور استفاده شده است. مصداق عینی حضور بزرگ مقیاس‌ها در این زمینه، حضور جدی این شرکت‌ها در ۱۱ روز اعتصاب رانندگان کامیون و ۱۲ روز جنگ تعمیلی بود که با در اختیار گذاشتن ناوگان ملکی در قالب اعزام کاروان‌های خودرویی (در دو مرتبه و هر مرتبه ۱۰۰ دستگاه از استان تهران) به بندار کشور به ویژه بندار جنوبی به منظور حمل کالاهای اساسی و استراتژیک صورت گرفت. از طرف دیگر، همکاری همه‌جانبه سایر اعضا در استان‌های دیگر با ادارات کل راهداری و اجرای برنامه حمل ابلاغی توسط آنها، نقش کلیدی و موثر خود را ایفا کرده‌است. این در حالی بود که شرکت‌های کوچک مقیاس به دلیل نداشتن خودرو ملکی و عدم همکاری رانندگان به صورت نیمه فعال و راکد در آمده بودند.

حمایت از رانندگان خودمالک

شرکت‌های بزرگ‌مقیاس با حوزه فعالیت رانندگان خودمالک هیچ مشکلی ندارند. شرکت‌های بزرگ مقیاس با دارا بودن حدود ۲۰هزار دستگاه کامیون، ۳۰ درصد حمل بار جاده‌ای کشور را بر عهده دارند. این میزان در مقابل ۵۳۰ هزار دستگاه کامیون خودمالک موجود در کل کشور، بسیار ناچیز بوده و کمتر از ۱۰ درصد آن را شامل می‌شود. اما متأسفانه شاهد هستیم که فضایی ایجاد شده که رانندگان به‌نوعی در مقابل شرکت‌های بزرگ‌مقیاس قرار بگیرند.

دبیر انجمن شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ‌مقیاس هوشمند جاده‌ای کالا با اعلام این مطب گفت: شرکت‌های بزرگ مقیاس، هیچ انگیزه‌ای برای توسعه ناوگان تا زمانی که راننده‌ها خوب فعالیت کنند، ندارد. پس عملاً شرکت‌های بزرگ‌مقیاس در مقابل منافع رانندگان قرار ندارند و تضاد منافعی با آنها ندارند. اسراری افزود: تجربه نشان داده که شرکت‌های بزرگ‌مقیاس، تسهیلگر فعالیت راننده‌ها هستند. به این صورت که به علت شکل گیری فضای رقابتی میان شرکت‌های بزرگ مقیاس و ایجاد باشگاه مشتریان، رانندگان از امکانات و تسهیلات بهتری برخوردار شده‌اند. به عنوان مثال کمپسون‌های کمتری برای فعالیت رانندگان در بازارگاه‌ها در حال شکل گیری است؛ شرکت‌های بزرگ مقیاس به صورت قانونی اجازه اخذ ۱۸درصد کمپسیون فعالیت از رانندگان را دارند که از این میزان حدود ۱۰ درصد سهم دولت و بقیه سهم شرکت‌ها است. اما به علت رقابت شرکت گرفته



طلای سیاه گروگان ژئوپلیتیک

❖ لیلا جلیلووند – بازار جهانی طلای سیاه این روزها در ظاهر آرام اما در باطن پر تلاطم است. قیمت شاخص برنت در محدوده ۶۸ دلار و نفت خام آمریکا در حدود ۶۴ دلار در نوسان است. نفت خام آمریکا در حدود ۶۴ دلار در نوسان است. نفت خام آمریکا در حدود ۶۴ دلار در نوسان است.

بازار جهانی طلای سیاه این روزها در ظاهر آرام اما در باطن پر تلاطم است. قیمت شاخص برنت در محدوده ۶۸ دلار و نفت خام آمریکا در حدود ۶۴ دلار در نوسان است. نوسانی که در نگاه اول چندان چشمگیر به‌نظر نمی‌رسد، اما در واقع پشت این ارقام، شبکه‌ای پیچیده از تحولات ژئوپلیتیک، سیاست‌های انرژی و تغییر الگوهای مصرف در جریان است. نفت دیگر تنها کالایی برای دادوستد نیست، بلکه به شاخصی برای سنجش قدرت کشورها و سلامت اقتصاد جهانی تبدیل شده است.

دو بازیگر با مسیری متفاوت

در معادلات امروز انرژی، هند و چین هر دو نقش تعیین‌کننده دارند اما مسیرشان متفاوت است. چین که زمانی موتور بی‌رقیب تقاضای جهانی برای نفت بود، اکنون با کاهش مداوم فعالیت‌های صنعتی و پنجمین ماه متوالی افت شاخص تولید، تصویری از کندی رشد اقتصادی را به نمایش گذاشته که به معنای کاهش تقاضای انرژی از سوی بزرگ‌ترین واردکننده نفت دنیاست. در عمل، چین با کاهش سرعت اقتصادی خود پیام می‌دهد که بازار دیگر نمی‌تواند روی رشد بی‌پایان مصرف در شرق حساب باز کند. در مقابل، هند در حال تجربه جهشی تازه است.

دهلی‌نو بر خلاف پکن با اقتصاد جوان‌تر، جمعیت رو به رشد و سیاست‌های توسعه‌ای پرشتاب، به یکی از سریع‌ترین بازارهای انرژی جهان تبدیل شده است. اما خرید نفت ارزان از روسیه، هند را به نقطه اصطکاکی میان واشنگتن و مسکو کشانده است. ایالات متحده با اعمال تعرفه‌های ثانویه سعی دارد هند را وادار به کاهش واردات از روسیه کند، اما دهلی‌نو همچنان بر استقلال انرژی خود پافشاری می‌کند. به این ترتیب، در حالی که چین به‌دلیل کاهش تقاضا فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد می‌کند، هند به میدان جدیدی برای جدال ژئوپلیتیک و آزمون سیاست‌های انرژی جهانی تبدیل شده است.

انرژی: ابزار سیاست خارجی



افزایش ۶۰ درصدی ذخایر سوخت مایع نیروگاهی

صنعت حمل‌ونقل جاده‌ای ایران طی سال‌های اخیر در مسیر گذار از یک ساختار سنتی و راننده‌محور به سمت شرکت‌محور و هوشمند قرار گرفته است. تشکیل شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ مقیاس هوشمند جاده‌ای داخلی کالا در سال ۱۳۹۸ نقطه عطفی در این مسیر بود؛ شرکت‌هایی که با سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد زیرساخت‌های نوین بازارگاهی، توانستند بخش قابل‌توجهی از بار کشور به‌ویژه کالاهای اساسی و استراتژیک را مدیریت کنند. این شرکت‌ها در بحران‌های ملی نیز به‌عنوان بازوی پشتیبان دولت در حمل کالاهای ضروری ایفای نقش کردند.

با این حال، صدور بخشنامه اخیر سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، محدودیت تازه‌ای بر سر راه این شرکت‌ها قرار داده است. طبق این مصوبه، شرکت‌های بزرگ‌مقیاس تنها مجاز به صدور بارنامه به میزان تعداد ناوگان ملکی به‌علاوه چهار برابر آن خواهند بود؛ تصمیمی که به باور فعالان صنفی، «تیر کارشناسی» بوده و با فلسفه اولیه تشکیل این شرکت‌ها در تضاد است. کارشناسان هشدار می‌دهند که ادامه این روند، نه‌تنها ظرفیت‌های بزرگ ایجاد شده در این دست بدهند، به‌گونه‌ای که تمام سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، توجیه اقتصادی خود را از دست می‌دهد. اسراری افزود: این بخشنامه نه تنها با شعار سال جاری، بلکه با تشویق و امنیت سرمایه‌گذاری و نیز با مفاد بخشنامه‌های تاسیس ابلاغی قبلی در مغایرت داشته و در تضاد با رویکرد مرسوم و پذیرفته شده در کشورهای توسعه‌یافته در حوزه حمل‌ونقل است. وی درباره متوقف کردن فعالیت شرکت‌های بزرگ مقیاس در استان‌های خارج از محل صدور پروانه، اظهار کرد: نکته قابل تامل و بحث برانگیز تر دیگر اینکه دوباره سازمان راهداری در یک اقدام نسنجیده و غیر کارشناسی و بدون توجه به شرایط خاص و حساسی که کشور

با آن روبه‌روست و در راستای اجرایی کردن یکی از بندهای بخشنامه اعلامی خود، بدون تعیین مهلت زمانی، اقدام به تعطیل کردن و توقف فعالیت شرکت‌های بزرگ مقیاس در استان‌های خارج از استان صدور پروانه کرده است. این اقدام علاوه بر اینکه زیان هنگفتی را برای عدم ایفای تعهدات آنها در حمل بار قراردادهای بزرگ و عمدتاً دولتی فراهم می‌آورد، کشور را در حوزه حمل کالاهای اساسی و استراتژیک به‌ویژه گندم، نهاده‌های کشاورزی و دامی، مواد غذایی و غیر غذایی دچار مشکل خواهد کرد.

محدودیت جدید برای صدور بارنامه

مهم‌ترین معضل بخشنامه اخیر، محدود کردن میزان صدور بارنامه توسط شرکت‌های بزرگ مقیاس به میزان تعداد خودروهای ملکی به‌اضافه چهار برابر آن است. با اجرایی شدن این بند، عملاً فعالیت شرکت‌های بزرگ مقیاس محدود شده و به کارکرد آنها لطمه وارد کرده است.

دبیر انجمن شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ‌مقیاس هوشمند جاده‌ای کالا در این رابطه گفت: در صورتی که در بخشنامه اولیه صادره برای تاسیس شرکت‌های بزرگ مقیاس، چنین محدودیتی در نظر گرفته نشده بود و با این اقدام بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های صورت

♥ خرد جمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیایاقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسئول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون نامشافه همه آن نگرانی‌ها به‌وقوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را نااهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستگاه دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده امور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جزء، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از پنگاهداری و تصدی‌گرایی بشود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود.

ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش قدرانی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستیم. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تاثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسئول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

او ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در ترازوی جهانی افزود: این رویداد در سال جاری بنا ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.



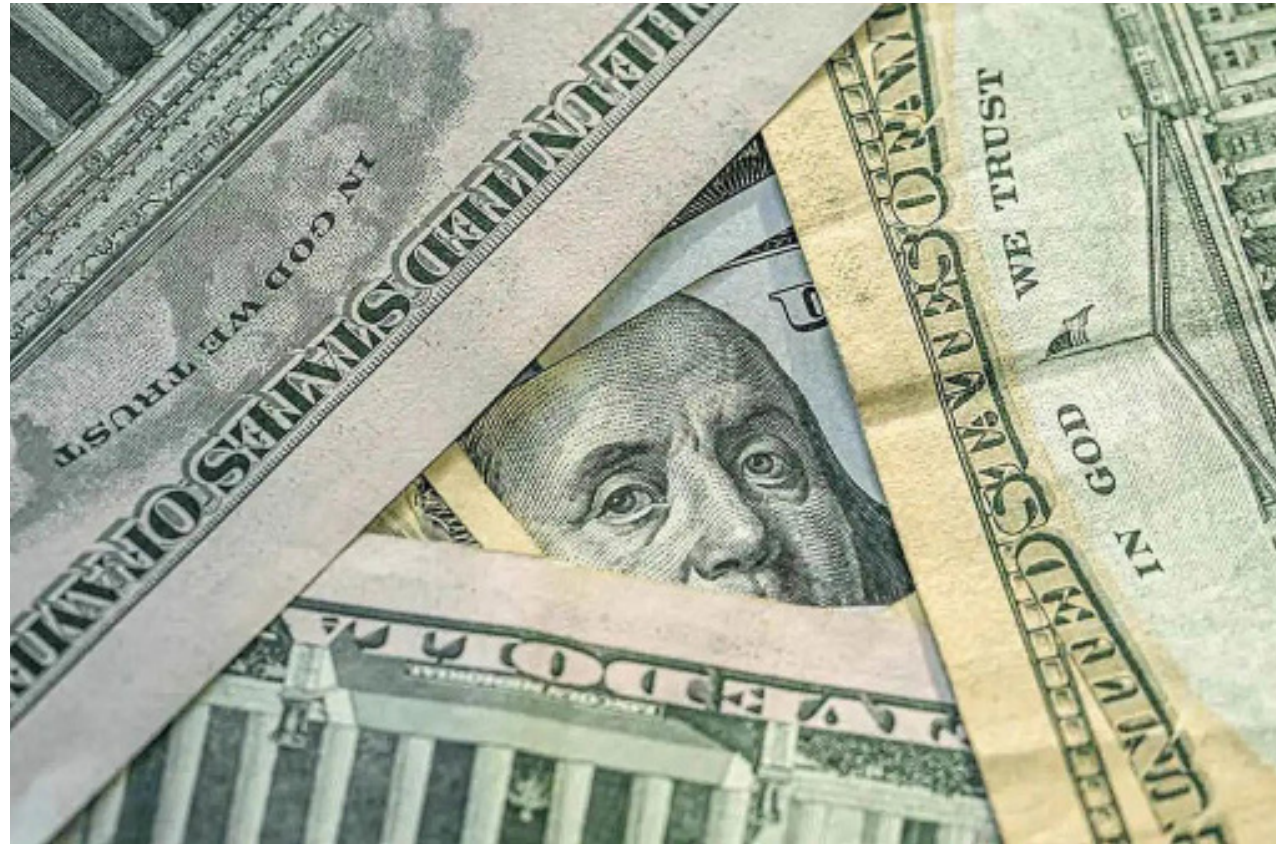
تجارت و پارادوکس وابستگی

عر شیا حسن پور – اقتصاد جهانی همواره بر بستری از تعاملات متقابل شکل گرفته است؛ تعاملی که از نخستین مبادلات کالایی تا پیچیده‌ترین نظام‌های مالی امروز، ریشه در نیاز متقابل انسان‌ها و ملت‌ها به یک‌دیگر داشته است.

اقتصاد جهانی همواره بر بستری از تعاملات متقابل شکل گرفته است؛ تعاملی که از نخستین مبادلات کالایی تا پیچیده‌ترین نظام‌های مالی امروز، ریشه در نیاز متقابل انسان‌ها و ملت‌ها به یکدیگر داشته است. اصل اساسی در تجارت میان کشورها آن است که هیچ داد و ستدی یک‌سویه باقی نمی‌ماند و هر مبادله‌ای بر مبنای نوعی وابستگی متقابل بنا می‌شود. این وابستگی در طول تاریخ اشکال گوناگونی به خود گرفته است؛ از تهاوت کالا در دوران باستان گرفته تا استفاده از فلزات گران‌بها به عنوان پشتوانه ارزش و سپس ابداع پول اعتباری که توانست شیوه مبادله و در نهایت ساختار قدرت اقتصادی در جهان را دگرگون کند.

بنابراین یکی از اصول بنیادین اقتصاد و روابط میان ملت‌ها، دو سویه بودن تجارت و اثرگذاری متقابل آن است. در طول تاریخ همواره دیده شده که داد و ستد کالاها و خدمات، صرفاً انتقال ارزش اقتصادی نبوده، بلکه حامل نوعی پیوند اجتماعی و سیاسی نیز بوده است. هرگاه ملت‌ها درگیر مبادله می‌شوند، در حقیقت بخشی از استقلال خود را به بخشی از وابستگی به دیگری معاوضه می‌کنند. این وابستگی متقابل، اگرچه در ظاهر می‌تواند نیرویی برای صلح و ثبات به شمار رود، اما در باطن همواره حامل نوعی تنش نیز هست زیرا نیاز طرفین لزوماً همسان و هم‌جهت باقی نمی‌ماند. تجربه تاریخی نشان داده است که هر زمان منافع یکی در تقاضای تجارت به نقطه‌ای برسد که در تعارض جدی با ادامه مبادله قرار گیرد، حتی نیاز متقابل و وابستگی به کالا یا خدمات نیز نمی‌تواند ضامن بقای آن تجارت باشد. در نهایت، قدرت منافع و انگیزه‌های ملی بر قدرت پیوندهای اقتصادی چیره می‌شود.

بنابراین یکی از اصول بنیادین اقتصاد و روابط اصلی مبادلات اقتصادی، نقش این پدیده اجتماعی و اعتباری در پیوند ملت‌ها بیش از پیش برجسته شده است. پول نه تنها وسیله سنجش ارزش و واسطه داد و ستد است، بلکه به شکلی پنهان نقشی در ساختن شبکه‌ای از وابستگی‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. به بیان دقیق‌تر، پول خود تبدیل به نیرویی فراتر از یک ابزار خنثی شده و خاصیت «وابستگی متقابل» آن، به‌ویژه در روابط میان ملت‌ها، بر همه تعاملات سایه افکنده است. در حقیقت، پول مهم‌ترین عامل همبستگی میان ملت‌ها در عمل تجارت است و هرگاه تبدایی بر اساس پول ملی یک کشور



خاص انجام شود، آن کشور به لحاظ اقتصادی دست برتر خواهد داشت زیرا قادر است پول خود را به اهرمی قدرتمند برای پیشبرد منافع ملی تبدیل کند. این همان واقعیتی است که در دنیای امروز، دلار ایالات متحده را به ستون فقرات اقتصاد جهانی بدل کرده و این کشور را قادر ساخته است تا از پول ملی خود نه فقط به عنوان ابزار مبادله، بلکه به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی و اقتصادی نیز استفاده کند. تجربه‌های تاریخی قرن بیستم و بیست‌ویکم به روشنی نشان می‌دهد که حتی زمانی که تجارت متقابل در بالاترین سطح خود قرار داشته است، باز هم وابستگی ایجاد شده از رهگذر آن نتوانسته قدرتی بالاتر از منافع تهدیدشده یک ملت یا ائتلاف ملت‌ها ایجاد کند. در فاصله سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۶، بحران‌های مالی و رکود بزرگ نشان داد که ارزش پول ملی کشورها تا چه حد می‌تواند به سرعت فرو بیاشد و چگونه این وابستگی، روابط تجاری را در مقیاسی جهانی مختل کند. در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷، بحران‌های ارزی و تغییر نظام برتون وودز، بار دیگر برتری منافع ملی بر وابستگی‌های اقتصادی متقابل را آشکار ساخت و از سال ۲۰۱۰ تا امروز، جهان بارها شاهد بحران‌های ارزی در اروپا، آمریکای لاتین، آسیا و خاورمیانه بوده است. این رخدادها ثابت می‌کنند که پول مهم‌ترین و در عین حال شکننده‌ترین ابزار برای حفظ منافع اقتصادی است. تجربه ایران در دوره تحریم‌های نفتی نیز مویذ منافع نکته است.

در ابتدا گمان می‌رفت که وابستگی شدید کشورهای شرق آسیا به نفت ایران، به ویژه با توجه به طراحی پالایشگاه‌های آنان بر اساس ترکیبات نفت ایران، موجب شود آنان در برابر تحریم‌های آمریکا مقاومت کنند اما در عمل مشاهده شد که حتی هزینه‌های گزاف تغییر منابع نفتی نتوانست مانعی برای تغییر رفتار این کشورها شود چراکه فشار ناشی از تهدید منافع کلان‌تر و جدی‌تر، یعنی روابط اقتصادی و مالی آنان با آمریکا و نظام دلار، سنگین‌تر از منافع حاصل از ادامه خرید نفت ایران بود. این نمونه روشن نشان می‌دهد که پول، هم محور اتصال کشورها در تجارت است و هم می‌تواند به اهرمی علیه همان وابستگی بدل شود.

پاسخ این تناقض در ماهیت اعتباری پول نهفته است. پول در ذات خود فاقد ارزش است و تنها در نتیجه توافق اجتماعی میان استفاده‌کنندگان آن

مشاور امور بین‌الملل و توافق‌نامه‌های تجاری سازمان توسعه تجارت ایران اجرایی شدن «موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور اتحادیه اوراسیا» را یکی از دستاوردهای مهم دولت چهاردهم در عرصه تجارت برشمرد.

به گزارش سازمان توسعه تجارت، میرهادی سیدی افزود: بعد از سال‌ها مذاکره توسط سازمان توسعه تجارت ایران، سرانجام موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا، شامل روسیه، بلاروس، قرقیزستان، قزاقستان و ارمنستان در بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال جاری به طور رسمی اجرایی شد. با اجرای این موافقت‌نامه، اکثر کالاها از ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بدون پرداخت تعرفه گمرکی صادر می‌شوندوی با اشاره به موافقت‌نامه تجارت ترجیحی که از پنجم آبان سال ۱۳۹۸ میان ایران و این پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا اجرا شده بود، گفت: اجرای این توافق‌نامه نیز تأثیرات مثبتی در جهت افزایش تجارت فی مابین ایجاد کرده بود؛ به‌طوری‌که طی این پنج سال در مجموع صادرات ایران به پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا بیش از سه برابر افزایش یافته و از ۰۰۰ میلیون دلار، به حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. مشاور امور بین‌الملل سازمان توسعه تجارت ایران همچنین ابراز امیدواری کرد: اجرای این موافقت‌نامه زمینه‌گسترده‌تری برای افزایش تجارت میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه‌اوراسیا فراهم کند.

تدوین برنامه‌های توسعه صنعتی سابقه‌ای طولانی در دستگاه سیاستگذاری ایران دارد؛ اما وضعیت حال حاضر صنعت، تناسبی با اهداف برنامه‌ها ندارد. محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» ضمن تحلیل برنامه‌ها، تأکید کرد که برای توسعه اقتصادی، باید بین سیاست‌های صنعتی و تجاری، همگرایی ایجاد شود. محبوبه فکوری: توسعه صنعتی، رویایی است که در طی دو دهه گذشته در ذهن بسیاری از سیاستگذاران بوده است. حالا بسیاری از اقتصاددانان نگران کاهش شدید ارزش افزوده و تولیدی هستند که رشد صنعتی را به یک دهم گذشته رسانده است. این عقب‌ماندگی نتیجه سیاستگذاری صنعتی نبوده؛ بلکه عوامل بیرونی باعث توقف توسعه صنعتی شده‌اند که بررسی آن، کلید فهم بحران صنعتی کشور است.محمد مهدی بهکیش، اقتصاددان با تشریح روندی که اقتصاد ایران را به شرایط کنونی رسانده، دیدگاه‌هایی را مطرح می‌کند که بر اساس آن، صنایع ایران باید دگرگونی را تجربه کنند تا بتوانند تاب آوری داشته باشند. او در این رابطه گفت: «ما یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی کردن صنعت را در پیش داریم؛ به این معنا که باید روند صنعتی‌شدن، همراه با اقتصادی کردن تجارت باشد. اقتصاد باید معقول و علمی شود تا صنعتی‌شدن در ایران معنا یابد.»

متن حاضر مشروح گفت‌وگو ی محمد مهدی بهکیش با روزنامه «دنیای اقتصاد» است. **دهه‌های متمادی است که ایران بر روی نگارش استراتژی توسعه صنعتی در دولت‌های مختلف کار کرده و سندهای متعددی را نگارش کرده است. اما حاصل، توسعه‌ای است که ناترازی صنعتی را رقم زده و استراتژی هدفمندی را که در ذهن استراتژیست‌های این اسناد بوده را محقق نکرده است. چرا ایران اکنون گرفتار چنین شرایطی است؟**

صنعتی‌شدن دنیا، در قرن ۱۸ شروع شد و وقتی تکنولوژی موتور به وجود آمد و نیرو از بازو به ماشین تبدیل شد، بحث صنعتی‌شدن مطرح گردید و کشورهای مختلف به دنبال آن رفتند؛ اما تاکنون صنعتی‌شدن چند مرحله را پشت سر گذاشته و امروز صنعت به هوش‌مصنوعی محتاج و با آن، رابطه تنگاتنگی پیدا کرده است؛ ولی در ایران به این روندها توجه نشده است؛ به نحوی که اگرچه صنعت باید در مسیر تقاضا وجود آید؛ اما در ایران روند عکس رخ داده و تقریباً صنایع ایران در نقاطی گسترش یافته‌اند که دسترسی به مواد اولیه یا صادرات محصولات آنها، آسان نیست؛ یعنی این ملاحظات رعایت نشده است.

در زمان پهلوی به دلیل درآمد نفت بسیار گزافی که در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به وجود آمد و عرضه ارز بر تقاضا فزونی گرفت، قیمت ارز بسیار ارزان بود و سیاست این شد که صنایع مدرن و اتوماتیک برای تأمین نیازهای کشور فراهم شود؛ بنابراین صنایع بسیاری احداث شدند که البته جامایی درستی نداشتند و حتی برخی همچون فولاد که محل استقرار آنها، درست انتخاب شده بود، بعد از انقلاب بخاطر برخی

تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند. و بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن،

ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترخی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

چرا صنایع موجود این مسیر را طی نکرده‌اند که هم اکنون، روند کند توسعه را شاهد باشیم؟

صنایع موجود اکنون از نظر تکنولوژی عقب‌افتاده هستند و اگر راه‌های تجاری ما باز شود، این صنایع می‌توانند ماشین‌الات کهنه را جایگزین کنند؛ ضمن اینکه بسیاری از صنایع، در محل نامناسب واقع شده‌اند که می‌توانند همچون تجربه آلمان غربی به نقاط مزیت‌دار منتقل شوند. در واقع، یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی‌کردن صنعت را در پیش داریم که باید تجارت هم همراه آن شود تا اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند. در واقع، اقتصاد باید معقول و علمی شود؛ در غیر این صورت صنعتی‌شدن معنایی در ایران ندارد. برنامه اول، دوم و سوم توسعه بسیار خوب تدوین شده بود؛ به این معنا که اگر به برنامه دوم توسعه نگاه کنیم، مشکلاتی که در مورد آب، که امروز با آن مواجه هستیم، همه با راهکار مورد توجه قرار گرفته بود. در مورد خصوصی‌سازی صنایع، در برنامه سوم پیش‌بینی‌های لازم انجام شده بود؛ اما به یکباره از برنامه چهارم منحرف شدیم و عقلانیتی که باید، به اقتصاد تزریق نشد. باید در نظر داشت که قبل از انقلاب هم، به خاطر پول زیادی که در اختیار دولت بود، منحرف شده بودیم و اقتصاد و تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند.

بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن، ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترشی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

چرا صنایع موجود این مسیر را طی نکرده‌اند که هم اکنون، روند کند توسعه را شاهد باشیم؟

صنایع موجود اکنون از نظر تکنولوژی عقب‌افتاده هستند و اگر راه‌های تجاری ما باز شود، این صنایع می‌توانند ماشین‌الات کهنه را جایگزین کنند؛ ضمن اینکه بسیاری از صنایع، در محل نامناسب واقع شده‌اند که می‌توانند همچون تجربه آلمان غربی به نقاط مزیت‌دار منتقل شوند. در واقع، یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی‌کردن صنعت را در پیش داریم که باید تجارت هم همراه آن شود تا اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند. در واقع، اقتصاد باید معقول و علمی شود؛ در غیر این صورت صنعتی‌شدن معنایی در ایران ندارد. برنامه اول، دوم و سوم توسعه بسیار خوب تدوین شده بود؛ به این معنا که اگر به برنامه دوم توسعه نگاه کنیم، مشکلاتی که در مورد آب، که امروز با آن مواجه هستیم، همه با راهکار مورد توجه قرار گرفته بود. در مورد خصوصی‌سازی صنایع، در برنامه سوم پیش‌بینی‌های لازم انجام شده بود؛ اما به یکباره از برنامه چهارم منحرف شدیم و عقلانیتی که باید، به اقتصاد تزریق نشد. باید در نظر داشت که قبل از انقلاب هم، به خاطر پول زیادی که در اختیار دولت بود، منحرف شده بودیم و اقتصاد و تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند.

بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن، ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترشی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

ارزش می‌یابد. به بیان دیگر، پول چیزی جز یک قرارداد اجتماعی نیست. همان‌گونه که ارسطو (سیاست، ۱۲۵۷ تا ۱۶ قرن‌ها پیش در سیاست نوشت، «اگر مردمان از به کار بردن یک واحد پولی دست بکشند، آن پول دیگر هیچ ارزشی نخواهد داشت». ارزش پول وابسته به اعتماد و پذیرش جمعی است و این اعتماد، هرچه پشتوانه قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی بیشتری داشته باشد، استوارتر خواهد بود. دلار آمریکا از این منظر نمونه‌ای آشکار است. قدرت دلار نه از ارزش ذاتی آن، بلکه از جایگاه اقتصادی و سیاسی ایالات متحده و اعتماد به نهادهای منتشرکننده پول سرچشمه می‌گیرد. این کشور توانسته با اتکا به قدرت تولیدی، مالی و نظامی خود، دلار را به واحد مرجع جهانی بدل کند، به گونه‌ای که بخش عظیمی از تجارت جهانی، حتی میان کشورهایی که رابطه سیاسی نزدیکی با آمریکا ندارند، بر پایه دلار انجام می‌شود. بنابراین، دلار در حقیقت نمادی از یک قرارداد اجتماعی جهانی است که یک عرصه‌کننده قدرتمند، مورد اعتماد و مورد پذیرش پشت آن ایستاده است.

از دیدگاه فلسفی، بحث درباره پول همواره با بحث درباره قدرت و اعتماد گره خورده است. پول به عنوان نماد ارزش، در حقیقت نمادی از قدرت اجتماعی است. این قدرت زمانی معنا دارد که جمعی گسترده آن را بپذیرند. اعتماد به پول در حقیقت همان اعتماد به ثبات اجتماعی و سیاسی است. هرگاه این اعتماد خدشه‌دار شود، حتی قوی‌ترین پول‌ها نیز ممکن است جایگاه خود را از دست بدهند. تاریخ نمونه‌های متعددی از فروپاشی ارزش پول‌های ملی ارائه می‌دهد؛ از آلمان وایمار در دهه ۱۹۲۰ گرفته تا ژیمبابوه و زئوزولا در دوران معاصر. در همه این موارد، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، اعتماد عمومی به پول ملی را از میان برد و آن واحد پولی را به کاغذی بی‌ارزش بدل کرد. این نمونه‌ها به ما یادآوری می‌کند که پول، برخلاف طلا یا نقره، نه به خاطر ارزش ذاتی، بلکه به خاطر اعتماد جمعی ارزشمند است. این حقیقتی است که اقتصاددانان مدرن، فیلسوفان سیاسی و حتی اندیشمندان باستانی مانند ارسطو بر آن تأکید کرده‌اند.

در سطح روابط بین‌الملل نیز پول ابزاری است که پیوندی ناگسستنی با قدرت سیاسی دارد. استفاده آمریکا از دلار به عنوان ابزار تحریم و فشار اقتصادی علیه کشورهایی چون ایران، روسیه و کویت، نمونه بارزی از این واقعیت است. هرگاه کشوری بخواهد از نظام مالی بین‌المللی کنار گذاشته شود، در عمل از دسترسی به دلار محروم می‌شود و این به معنای دشوار شدن تجارت با بخش عمده‌ای از جهان است. در این شرایط، حتی کشورهایی که تمایل سیاسی به همکاری با طرف تحریم‌شده دارند، به دلیل وابستگی به نظام مالی مبتنی بر دلار، ناگزیر از پیروی از تحریم‌ها می‌شوند. این همان قدرتی است که از ماهیت اعتباری و قراردادی پول سرچشمه می‌گیرد و در دنیای امروز به ابزار ژئوپولیتیک بدل شده است. ماهیت اعتباری پول توضیح می‌دهد که چرا این پدیده همزمان می‌تواند عامل همبستگی و نیز عامل واگرایی باشد.

همان‌گونه که پول می‌تواند ملت‌ها را از رهگذر تجارت به هم پیوند دهد، می‌تواند با کاهش اعتماد یا تغییر شرایط سیاسی، روابط آنان را نیز از هم بگسلد. از همین روست که بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند از سلطه یک واحد پولی خاص، به ویژه دلار، بکاهند و با ایجاد پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه، روابط اقتصادی خود را از مسیرهای متفاوتی سامان دهند. اتحادیه اروپا با ایجاد یورو، تلاشی در همین راستا انجام داد؛ اگرچه بحران بدهی در دهه ۲۰۱۰ نشان داد که حتی یک واحد پولی مشترک نیز در برابر شکاف‌های ساختاری اقتصادهای ملی کاملاً مصون نیست. چین نیز در دهه‌های اخیر کوشیده است با بین‌المللی‌سازی یوان و انعقاد پیمان‌های پولی با کشورهای مختلف، جایگاه پول ملی خود را در تجارت جهانی تقویت کند. نمونه‌هایی همچون پیمان‌های پولی میان چین و روسیه یا میان چین و برخی کشورهای آفریقایی و آسیایی، بیانگر همین رویکرد است.

هدف اصلی این تلاش‌ها کاستن از وابستگی به دلار و در نتیجه کاستن از آسیب‌پذیری در برابر فشارهای اقتصادی و مالی آمریکا است.پول همچنین آینده‌ای ساختار نابرابر قدرت در نظام جهانی است. کشورهایی که پول ملی آنها در سطح بین‌المللی جایگاه محدودی دارد و آزادی حساب سرمایه در آنها برقرار است، همواره در معرض نوسانات ارزی و بحران‌های مالی خارجی هستند. در مقابل، کشورهایی که پول آنها به عنوان ارز ذخیره جهانی به کار می‌رود، از امتیازاتی بی‌نظیر برخوردارند. ایالات متحده با چاپ دلار می‌تواند کسری‌های عظیم مالی خود را تأمین کند، درحالی‌که سایر کشورها ناگزیرند ذخایر ارزی خود را برای حفظ ارزش پول ملی مصرف کنند. این امتیاز ویژه بارها از سوی اقتصاددانان به چالش کشیده شده است، اما همچنان کوشش‌ها تلاشی برای ایجاد نظام‌های مالی جایگزین، از طرح‌های بریکس برای ایجاد ارز مشترک گرفته تا گسترش استفاده از ارزهای دیجیتال، همگی واکنش‌هایی به این نابرابری بنیادین اندیا این حال، واقعیت این است که پیمان‌های پولی دو یا چندجانبه هنوز نتوانسته‌اند جایگزین جدی برای نظام مسلط دلار باشند.

زیرا همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ارزش پول اعتباری بیش از هر چیز تابع قدرت طرفین قرارداد است. تا زمانی که ایالات متحده همچنان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان و دارنده قدرتمندترین شبکه مالی بین‌المللی باقی بماند، دلار جایگاه خود را به آسانی از دست نخواهد داد. حتی بحران‌های داخلی آمریکا نیز تاکنون نتوانسته‌اند این جایگاه را به شکلی بنیادین متزلزل کنند. البته روندهای بلندمدت، مانند رشد اقتصادی چین، ظهور اقتصادهای ظهور در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و گسترش فناوری‌های مالی نوین همچون ارزهای دیجیتال، می‌تواند در آینده معادلات را تغییر دهد اما این تغییر، اگر هم رخ دهد، تدریجی و پیچیده خواهد بود.

در نهایت باید گفت که پول، در عین حال که عامل اتصال ملت‌هاست، همواره پتانسیل جدایی و فروپاشی روابط را نیز در خود دارد. این توانایی ریشه در ماهیت اعتباری پول دارد. هرچه اعتماد به این اعتبار بیشتر باشد، پیوندها استوارتر خواهد بود، و هرچه این اعتماد آسیب ببیند، پیوندها سست‌تر خواهد شد. بنابراین، آینده روابط اقتصادی بین‌المللی بیش از هر چیز وابسته به میزان اعتماد ملت‌ها به نظام‌های پولی مشترک و توانایی آنان در مدیریت بحران‌های مالی و سیاسی خواهد بود. جهان امروز در آستانه تحولات بزرگی ایستاده؛ از یک سو، سلطه تاریخی دلار همچنان پابرجاست و از سوی دیگر، روندهایی تازه در حال شکل‌گیری است که می‌تواند به تدریج این سلطه را به چالش بکشد. در این میان، آنچه مسلم است این است که پول همچنان مهم‌ترین ابزار برای کسب منافع ملی، حفظ یا تغییر موازنه قدرت و شکل‌دهی به روابط میان ملت‌ها باقی خواهد ماند.

مشاور امور بین‌الملل و توافق‌نامه‌های تجاری سازمان توسعه تجارت ایران اجرایی شدن «موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور اتحادیه اوراسیا» را یکی از دستاوردهای مهم دولت چهاردهم در عرصه تجارت برشمرد.

به گزارش سازمان توسعه تجارت، میرهادی سیدی افزود: بعد از سال‌ها مذاکره توسط سازمان توسعه تجارت ایران، سرانجام موافقت‌نامه تجارت آزاد میان ایران و پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا، شامل روسیه، بلاروس، قرقیزستان، قزاقستان و ارمنستان در بیست و پنجم اردیبهشت ماه سال جاری به طور رسمی اجرایی شد. با اجرای این موافقت‌نامه، اکثر کالاها از ایران به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا بدون پرداخت تعرفه گمرکی صادر می‌شوندوی با اشاره به موافقت‌نامه تجارت ترجیحی که از پنجم آبان سال ۱۳۹۸ میان ایران و این پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا اجرا شده بود، گفت: اجرای این توافق‌نامه نیز تأثیرات مثبتی در جهت افزایش تجارت فی مابین ایجاد کرده بود؛ به‌طوری‌که طی این پنج سال در مجموع صادرات ایران به پنج کشور عضو اتحادیه اوراسیا بیش از سه برابر افزایش یافته و از ۰۰۰ میلیون دلار، به حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. مشاور امور بین‌الملل سازمان توسعه تجارت ایران همچنین ابراز امیدواری کرد: اجرای این موافقت‌نامه زمینه‌گسترده‌تری برای افزایش تجارت میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه‌اوراسیا فراهم کند.

ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترخی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

چرا صنایع موجود این مسیر را طی نکرده‌اند که هم اکنون، روند کند توسعه را شاهد باشیم؟

صنایع موجود اکنون از نظر تکنولوژی عقب‌افتاده هستند و اگر راه‌های تجاری ما باز شود، این صنایع می‌توانند ماشین‌الات کهنه را جایگزین کنند؛ ضمن اینکه بسیاری از صنایع، در محل نامناسب واقع شده‌اند که می‌توانند همچون تجربه آلمان غربی به نقاط مزیت‌دار منتقل شوند. در واقع، یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی‌کردن صنعت را در پیش داریم که باید تجارت هم همراه آن شود تا اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند. در واقع، اقتصاد باید معقول و علمی شود؛ در غیر این صورت صنعتی‌شدن معنایی در ایران ندارد. برنامه اول، دوم و سوم توسعه بسیار خوب تدوین شده بود؛ به این معنا که اگر به برنامه دوم توسعه نگاه کنیم، مشکلاتی که در مورد آب، که امروز با آن مواجه هستیم، همه با راهکار مورد توجه قرار گرفته بود. در مورد خصوصی‌سازی صنایع، در برنامه سوم پیش‌بینی‌های لازم انجام شده بود؛ اما به یکباره از برنامه چهارم منحرف شدیم و عقلانیتی که باید، به اقتصاد تزریق نشد. باید در نظر داشت که قبل از انقلاب هم، به خاطر پول زیادی که در اختیار دولت بود، منحرف شده بودیم و اقتصاد و تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند.

بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن، ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترشی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

چرا صنایع موجود این مسیر را طی نکرده‌اند که هم اکنون، روند کند توسعه را شاهد باشیم؟

صنایع موجود اکنون از نظر تکنولوژی عقب‌افتاده هستند و اگر راه‌های تجاری ما باز شود، این صنایع می‌توانند ماشین‌الات کهنه را جایگزین کنند؛ ضمن اینکه بسیاری از صنایع، در محل نامناسب واقع شده‌اند که می‌توانند همچون تجربه آلمان غربی به نقاط مزیت‌دار منتقل شوند. در واقع، یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی‌کردن صنعت را در پیش داریم که باید تجارت هم همراه آن شود تا اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند. در واقع، اقتصاد باید معقول و علمی شود؛ در غیر این صورت صنعتی‌شدن معنایی در ایران ندارد. برنامه اول، دوم و سوم توسعه بسیار خوب تدوین شده بود؛ به این معنا که اگر به برنامه دوم توسعه نگاه کنیم، مشکلاتی که در مورد آب، که امروز با آن مواجه هستیم، همه با راهکار مورد توجه قرار گرفته بود. در مورد خصوصی‌سازی صنایع، در برنامه سوم پیش‌بینی‌های لازم انجام شده بود؛ اما به یکباره از برنامه چهارم منحرف شدیم و عقلانیتی که باید، به اقتصاد تزریق نشد. باید در نظر داشت که قبل از انقلاب هم، به خاطر پول زیادی که در اختیار دولت بود، منحرف شده بودیم و اقتصاد و تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند.

بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن، ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترشی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

چرا صنایع موجود این مسیر را طی نکرده‌اند که هم اکنون، روند کند توسعه را شاهد باشیم؟

صنایع موجود اکنون از نظر تکنولوژی عقب‌افتاده هستند و اگر راه‌های تجاری ما باز شود، این صنایع می‌توانند ماشین‌الات کهنه را جایگزین کنند؛ ضمن اینکه بسیاری از صنایع، در محل نامناسب واقع شده‌اند که می‌توانند همچون تجربه آلمان غربی به نقاط مزیت‌دار منتقل شوند. در واقع، یک فرآیند بسیار مهم اقتصادی‌کردن صنعت را در پیش داریم که باید تجارت هم همراه آن شود تا اینکه صنایع بتوانند روی پای خود بایستند. در واقع، اقتصاد باید معقول و علمی شود؛ در غیر این صورت صنعتی‌شدن معنایی در ایران ندارد. برنامه اول، دوم و سوم توسعه بسیار خوب تدوین شده بود؛ به این معنا که اگر به برنامه دوم توسعه نگاه کنیم، مشکلاتی که در مورد آب، که امروز با آن مواجه هستیم، همه با راهکار مورد توجه قرار گرفته بود. در مورد خصوصی‌سازی صنایع، در برنامه سوم پیش‌بینی‌های لازم انجام شده بود؛ اما به یکباره از برنامه چهارم منحرف شدیم و عقلانیتی که باید، به اقتصاد تزریق نشد. باید در نظر داشت که قبل از انقلاب هم، به خاطر پول زیادی که در اختیار دولت بود، منحرف شده بودیم و اقتصاد و تجارت به صورت معقولی در کنار هم شکل نگرفته بودند.

بعد از انقلاب هم جنگ شد و در دوره جنگ کسی نمی توانست به ساختار فکر کند؛ اما پس از این دوره، به ساختار فکر شد و عقل اقتصادی هم حاکم بود؛ ولی بعد از آن، ملاحظات به اصفهان منتقل شد و در ادامه، استقرار صنایع در محل‌های غیرمنطقی، صنعتی‌شدن ایران را از ملاحظات اقتصادی دور کرد و اکنون صنایع بسیاری در نقاط مختلف کشور احداث شده‌اند که اقتصادی نیستند؛ به این معنا که اگر ارز کنترشی شده و تعرفه‌ها پایین آید که اجتناب‌ناپذیر هم هست، اکثر این صنایع اقتصادی نیستند؛ مگر اینکه همچنان انرژی ارزان دریافت کنند که تأمین آن با شرایط کنونی، در آینده امکان‌پذیر نیست.

حتی تجارت این صنایع روال عادی نداشته و از سود کافی برخوردار نبوده‌اند و حتی صنایع خصوصی نیز، از محل تجارت واردات مواد اولیه و صادرات محصول، سود به دست می‌آورند؛ درحالی‌که باید این صنایع در نقاط دارای مزیت کشور بوده و راه تجارت آنها باز باشد؛ آن زمان می‌توان گفت که در حال صنعتی‌شدن خواهیم بود. در حال حاضر، هیچ‌یک از صنایع جدیدی که با هوش مصنوعی ارتباط دارند، در ایران نمی‌توانند رشد کنند؛ چراکه فضای کنونی فضای گسترش و توسعه صنعتی نیست. از سوی دیگر باید توجه داشت که «صنعتی‌شدن» و «تجاری‌شدن»، دو روی یک سکه هستند و اگر جدا شوند که ۴۰ سال است این کار را کرده‌ایم، هم تجارت از بین می‌رود و هم صنعت رشد نمی‌کند و هم مردم آسیب دیده‌اند؛ درحالی‌که این دو باید با هم حرکت کنند؛ یعنی باید بازار را فهمید.

